پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

سال سوم ـ شماره ۲۱ | مهـر ۶۷ - ۳۶ صفحه | بهاء: ۵۰ ریال

سرمقاله

آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی

با آغاز سال تحصیلی جدید و ورود میلیونها دانش آموز به مدارس جهت تحصیل و کسب علم و دانش ، ایادی رژیم جمهوری اسلامی از موسوی و اردبیلی گرفته تا مزدوران ریزو درشت دیگربنمایش دغلکارانه جدیدی دست زدند، هریك از آنها درمدرسه ای حضور یافته وزنگ مدرسه ای رابصدادرآوردند، به سخنرانی های غرا در رابطه با اهمیت کسب علم و دانش پرداختند ، از لزوم مبارزه با بیسوادی دم زدند، ازتحصیل رایگان سخن گفتند و بر دانش آموزانی که در سالهای پیش قربانی جنگ

در صفحه ۲

گزارشی از "نشست" اخیر تشکیلات

در اوائل مرداد ماه سازمان ما مبادرت به برگزاری یك "نشست وسیع تشکیلاتی" نمود . اساسی ترین ضرورتی که تشکیل چنین نشستی راازمدتها پیش برای ما مطرح ساخته بود، برخورد به چگونگی گسترش پراتیك سازمان و بررسی وتعیین آن نقشه مبارزاتی بودکه در راستای حرکت در جهت تحقق آن می بایست به حل این مهم نائل آئیم .برخورد به علل جاری نشدن مبارزه ایدئولوژیك فعال دردرون سازمان وچاره جوئی برای برطرف نمودن این مسئله ، بررسی مسائل مختلف تشکیلاتی و

در صفحه ۵

اپورتونیزم و مسئله تمرکز در نیروهای سرکوب رژیم

اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه باتشدید اعدام زندانیان سیاسی

در صفحه ۲۱

"آرامش و امنیت" برای جمهوری اسلامی ، "خودمختاری" برای حزب دمکرات

در صفحه ۳۶

گزیده هائی از رادیو صدای چریکها :

رژیم جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه، وابسته به امپریالیسم است

درمورد لجن پراکنی های اخیر خامنه ای برعلیه کمونیست ها

نگاهی به اظهارات مدیرعامل صدا و سیمای رژیم ضدخلقی

در صفحه ۳۵

در صفحات دیگر :

* گفته ها و نکته ها ۳۳
* اخبار ۳۴
* شهدای مهرماه
چریکهای فدائی خلق ایران ۳۵
* روزشمار ۳۵

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

صفحه: ۴

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۲

آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

فاجعه بار ایران و عراق گردیده اند، اشك تمساح ریختند و بالاخره کوشیدند اینطور وانمود سازند که مدرسه وایجاد شرایط تحصیلی لازم و مکفی برای دانش آموزان، مورد توجه کامل رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد.

مسلما این حرکت مزدوران رژیم قبل از هرچیزبیانگرترس و وحشت آنان ازدانش آموزان و فرهنگیان و خلاصه ازآن قشر عظیم اجتماعی است که در راه کسب علم و دانش واقعی با موجودیت نظام گندیده سرمایه داری وابسته در تضاد قرار داشته و از آنجا که حافظین این نظام و از جمله رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کسب علم و دانش را فقط در حد پاسخگوئی به نیازهای اقتصادی - اجتماعی نظام موجود جائز شمرده و فراترازآنرامضروخطرناك بحال آن میدانند، دائما به مبارزه برعلیه آنان برمیخیزند. ولی اکنون ببینیم فاصله ادعای آن مزدوران با واقعیت اوضاع آموزش و پرورش تا چه حد میباشد.

در یك کلام باید گفت تحت سلطه ننگین رژیم جمهوری اسلامی چنان وضعیت اسف انگیز و فضیحت باری بر آموزش و پرورش و مدارس ما حاکم گردیده که نظیرآن تاکنون دیده نشده است. صرفنظر از اینکه بسیاری از فرزندان زحمتکشان بدلیل فقر و فلاکت بیحدی که خانواده آنان در سالهای اخیر با آن دست بگریبان بوده اند و از امکان تحصیل محروم گشته اند، آندسته از دانش - آموزانی که به مدارس راه یافته اند نیز در اوضاع نامساعدی قراردارند، فقدان فضای آموزشی، کمبودکتاب ومعلم که اساسا ابتدائی‌ترین ضروریات امر تحصیل وشرط اولیه آن بشمار میرود تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی بصورت امری عادی درآمده و مانع بزرگی در راه تحصیل دانش آموزان ما ایجاد نموده است. همچون سالهای پیش کتاب حتی برای مدارس ابتدائی به اندازه کافی وجود ندارد، بیش از هفتاد هزار نفر کمبود معلم به چشم میخورد! بدلیل کمبود کلاس، بعضی از مدارس بصورت "سه شیفته" کارمیکنند و حتی کار به جائی رسیده است که در مواردی دانش آموزان مجبور شده اند در کلاسهائی که در اتوبوسهای از کار افتاده شرکت واحد تشکیل میشود، به تحصیل بپردازند و این البته در حالی است که به گزارش کیهان ۲۲ شهریور ماه حداقل ۲۵۶ مدرسه برای استقرار سپاه پاسداران ضدخلقی اختصاص داده شده است.

فقدان فضای آموزشی و نتیجه اسفبار این واقعیت تا به آن حد برجستگی دارد که در سخنان بعضی از مسئولین آموزش و پرورش نیز منعکس گردیده و آنان با درماندگی کامل اعتراف میکنند که "کار اصلی و عمده ما در مورد توسعه فضاهای آموزشی تیغه کشیدن میان کلاسهای بزرگ، سالنها و راهروهای مدارس" (*) میباشد و یا اذعان میکنند که :"معلمان ما بخاطر تراکم جمعیت دانش آموزان در کلاسهای درس تنها نقش مبصر و آرام کننده دانش آموزان در کلاسها را به عهده دارند و امکان فعالیت آموزشی از آنها سلب "(**)شده است.

در چنین اوضاعی است که دانش آموزان ما

←←

* - اطلاعات ۲۱ شهریور ۶۷

** - همانجا

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ - مهر ۶۷

به حق فریاد میکشند: "ما چگونه میتوانیم در نبود معلم و کتاب و فضای آموزش درس بخوانیم" و در همین رابطه است که دغلکاران جمهوری اسلامی از اهمیتی که گویا تحصیل علم و دانش در نزد آنان برخوردار میباشد دادسخن میدهند و از ضرورت مبارزه با بیسوادی تبلیغات کذائی به راه میاندازند.

حال اگر محتوای کتابهای درسی را که دست اندرکاران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با کوششی آگاهانه از گنجانیدن مطالب واقعا علمی در آنها امساك به عمل میآورند در نظر بگیریم و متوجه این واقعیت باشیم که رژیم برای جلوگیری از رشد آگاهی دانش آموزان از چه ترفندهای ارتجاعی از جمله گماشتن مسئولین امور تربیتی بعنوان جاسوس جیره خوار خود در مدارس استفاده مینماید وتحت شرایط اختناق حاکم هرگونه کوشش معلمین آگاه و دلسوز جامعه برای آموختن علم و دانش فراتر از چارچوب تعیین شده به دانش آموزان با تنبیه و توبیخ و سرکوب رژیم مواجه میگردد میتوانیم به عمق ادعاهای کاذب مزدوران رژیم در این زمینه هرچه بیشتر پی ببریم. با اینحال این رژیم همچنان لاف مبارزه با بیسوادی میزند و تحت این عنوان بیشرمانه میلیونها دلار از امکانات کشور را در جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیستی در لبنان صرف باصطلاح آموزش مسلمانان و مسیحیان این کشور مینماید و رادیوی رژیم بتاریخ ۲۸ شهریور ماه اعلام میکند که: "شورای مرکزی کمیته امداد خمینی در لبنان تشکیل گردیده و ۱۲۰۰۰۰ کودك مسلمان و مسیحی تحت پوشش تحصیل رایگان این کمیته قرار گرفته اند" براستی که چه رژیم دانش پروری !! گویا صرف بخش زیادی از بودجه آموزش و پرورش برای جنگ امپریالیستی ایران و عراق کافی نبود، که اکنون در حالیکه عده زیادی از دانش آموزان ما از امکان تحصیل محرومند و در شرایطی که خرج بسیاری از هزینه های تحصیل که اصولا برعهده رژیم قراردارد از دانش آموزان اخاذی میشود، این رژیم دانش پرور به تامین بودجه تحصیل رایگان ۱۲۰۰۰۰ نفر در لبنان میپردازد!!

برای اینکه اوج دنائت و پستی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در این زمینه هرچه بیشتر آشکار گردد، معلوم شود که حتی تبلیغ کذائی برای باصطلاح مبارزه با بیسوادی در زمینه فوق مسئله اصلی رژیم نبوده بلکه مسئله بر سر پیشبرد سیاست امپریالیستی معینی در لبنان میباشد که اجرای آن بر دوش این سگ زنجیری امپریالیسم قرار گرفته، لازم است به آماری توجه کنیم که یکی از مسئولین آموزش و پرورش در رابطه با محرومیت عده کثیری از کودکان و نونهالان ایران از تحصیل بیان کرده است طبق گفته وی " هرساله حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر از نونهالان واجب التعلیم از ورود به مدرسه محروم میشوند و حدود ۱۷٪ نوجوانان ۶ الی ۱۴ ساله تحت پوشش آموزش همگانی قرار ندارند" (*) بدون شك این آمار نمیتواند گویای همه حقایق باشد ولی در همین حد نیز نشاندهنده وضع وخامت بار آموزش و پرورش در میهن ما بوده و خط بطلان به همه ادعاهای کاذب مزدوران رژیم میکشد. در زمینه ادعای تحصیل رایگان لازم نیست به شهریه های گزافی که بهنگام ورود دانش آموزان به مدرسه به بهانه های مختلف از آنها گرفته میشود تاکید نمائیم، پرورنده این رژیم در رابطه با اخاذی از دانش آموزان و چپاول اندك پس انداز آنان آنقدر سیاه است که دیگر شعار "تحصیل رایگان" توهمی در کسی بوجود نمیآورد. اگر در دوره جنگ ارتجاعی ایران و عراق تحت عنوان کمك به جبهه ها و با ابتکارهای ارتجاعی از قبیل ساختن قلکهای تانکی و نارنجکی شکل دانش آموزان را میچاپیدند امروز در دوره باصطلاح بازسازی در حالیکه آشکارا و رسما از اولویت بازسازی مراکز نظامی و سرکوب سخن میگویند و این البته برای رژیمی که موجودیتش با جنایت و سرکوب درآمیخته است امری طبیعی

---

* - اطلاعات ۲۱ شهریور

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

میباشد تحت عنوان ضرورت شرکت مردم در امر بازسازی بهانه جدیدی برای اخاذی از دانش آموزان یافته اند و باوقاحت تمام هزینه ترمیم و بازسازی مدارس ویران شده ناشی از جنگ را به دوش دانش آموزان سرشکن میکنند . تحصیل رایگان در حرف و شعار و اخاذی و چپاول دانش آموزان در عمل این است ورقی از پرونده سراسر دروغ و خیانت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی .

برای اینکه به گوشه ای از " افتخارات" این رژیم نیز اشاره ای شده باشد باید با یادآوری فجایعی که این رژیم در طی ۸ سال جنگ جنایتکارانه و امپریالیستی ایران وعراق ،در حق دانش آموزان ما مرتکب شده است بگوئیم که مسلمابرای رژیمی که در طی این سالها جز قربانی نمودن دانش آموزان در راه مطامع سرمایه داران وابسته و اربابان امپریالیستش کاری نکرده است بالطبع "افتخاراتش "در زمینه آموزش و پرورش نیزجزاین نمیتوانست باشد که در روزنامه جمهوری اسلامی بتاریخ دوم مهرماه با بیشرمی مینویسد: "ما مدارسی در این سرزمین داریم که رقم شهدای آنهاآدمی رابه حیرت می‌اندازد،یعنی ما مدارسی داریم که مدیر ، مربی و دانش آموزانش با هم به جبهه رفته وشهدشهادت راباهم نوشیده اند".

بواقع نیز برای رژیم رسوائی چون رژیم جمهوری اسلامی " افتخاری" از این بزرگتر نمیتوانست وجود داشته باشد !!"افتخاری" که از زبان مسئولین آموزش و پرورشش گفته شود:"هیچ وزارتخانه ای اندازه آموزش و پرورش به تامین نیازهای جبهه های جنگ کمك ننموده است" ومعاونت امورجنگ این وزارتخانه درروزنامه جمهوری اسلامی پنجم مهرماه اعتراف می‌نماید :" دانش آموزان ۹۰٪ خط شکنان جبهه ها را تشکیل میدادند و ۶۰٪ از تیروهای جمهوری اسلامی در جبهه های جنگ را فرهنگیان و دانش آموزان تشکیل میدهند " براستی چه "افتخار" بزرگی!! که رژیم ددمنش با تهدید و ارعاب و توسل به ضدخلقی ترین روشها دسته دسته از دانش آموزان میهن ما را به میدانهای بی‌بازگشت جنگ امپریالیستی گسیل داشته است و سپس بیشرمانه از "خط شکنی" بودن آنها سخن میگوید. اگر ترجمان عملی " خط شکنی" در واقعیت خونین جبهه های‌جنگ وسیاست ننگین جمهوری اسلامی مبنی بر استفاده از امواج انسانی در این جنگ در نظر گرفته شود عمق و وسعت " افتخارات" رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هرچه عیان تر میگردد و متوجه میشویم که سردمداران جنایتکارجمهوری‌اسلامی‌بافرستادن دانش آموزان به روی میدانهای مین و اعلام وقاحت بار این امر که ۹۰٪ خط شکنان جبهه را دانش آموزان تشکیل میداده اند از چه مباهاتی سخن میگویند!! ! و چرا دژخیمان جمهوری اسلامی در مسلخ قربانیان خودازابعاد"افتخاراتی"که آفریده اند به" حیرت" می‌افتندواعلام میکنند "ما مدارسی در این سرزمین داریم که رقم شهدای آنها آدمی را به حیرت می‌اندازد یعنی ما مدارسی داریم که مدیر، مربی و دانش آموزانش با هم به جبهه رفته اند و شهد شهادت را با هم نوشیده اند ".

دانش آموزان مبارز !

شما سال تحصیلی جدید را در شرایطی آغاز میکنید که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی پس از پذیرش آتش بس و بقول خودش سرکشیدن " جام زهر" یورش ددمنشانه ای را به انقلاب ضدامپریالیستی دمکراتیك خلقهای‌ما سازمان داده و دسته دسته زندانیان سیاسی را تیرباران مینماید.

شما در شرایطی سال تحصیلی را آغاز میکنید که بسیاری از همکلاسیهای خود در سال گذشته را دیگر هرگز نخواهید دید چرا که آنها یا در میدانهای تیر رژیم به شهادت رسیده اند و یادرمسلخهای جنگ قربانی اهداف امپریالیستها گشته اند این اوضاع بدون شك نمیتواند باعث غم و اندوه شما نگردد ولی شما وظیفه دارید آلام خویش را به کینه ای عمیق نسبت به دشمنان مردم ایران یعنی امپریالیستها و سگان زنجیریشان

درصفحه ۲۰

صفحه: ۵

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

گزارشی از "نشست" اخیر تشکیلات

ازصفحه۱

جمعبندی تجربیات کسب شده دراین زمینه، حك واصلاح اساسنامه مصوب سال ۶۲ وانتخاب ارگانهای رهبری نیز از مسائلی بودند که در این نشست می‌بایست مورد توجه قرار گیرند.

اهمیت تعیین کننده گسترش پراتیك سازمان برای مادرشرایطی که در واقعیت عملیات نظامی سازمان درچند سال اخیر عمدتا به عملیاتی که برعلیه رژیم وابسته بامپریالیزم جمهوری اسلامی در کردستان انجام میشدمحدودگردیده بود واین امر خودبا توجه به تحولاتی که دراین منطقه رخ داده و شرایطی که مادرآن قراردارایم، درروند خودبا محدودیت های هرچه بیشتری مواجه گردیده است ؟آن مسئله اصلی بود که می‌بایست در نشست مذکوربه آن پرداخته شود، درنتیجه تعیین آن "نقشه مبارزاتی" که می بایست باتوجه به کمیت و کیفیت سازمان در شرایط کنونی پاسخگوی حل وظایفی که در مقابل سازمان قراردارد‌باشد اصلی ترین مسئله "نشست"راتشکیل میداد.

به این اعتبار قبل از بررسی مسائلی که در نشست مزبور موردتوجه قرارگرفت لازم میدانیم به تشریح هرچند کلی روندی که در سالهای اخیر طی کرده ایم بپردازیم تابا مشخص شدن شرایطی که سازمان ما در آن قرار گرفته است بهتر بتوان وظایف و مسائلی که در مقابل سازمان قرار گرفته است را درك نمود.

واقعیت این است که تئوری مبارزه مسلحانه بعنوان تنهاشکل انطباق خلاق مارکسیسم-لنینسم در شرایط حاکمیت امپریالیزم و بورژوازی وابسته به آن درایران بعنوان تئوری اعتقادی سازمان همچون هرتئوری پرولتری وانقلابی دائما باید با پراتیك مبارزاتی پیوندبرقرارکرده و در جریان پراتیك صیقل یابد ؟ بسط و غنای هرچه بیشتراین تئوری‌منوط به آن کوششهای عملی است که در بطن شرایط اجتماعی ایران ، برای پیاده کردن رهنمودهای مبارزاتی آن بکارمیرود،چراکه تنهادرروند بکاربست این تئوری در عمل است که دورنماهای هر چه روشنتری در جهت پیشبردمبارزه توده ها در مقابل انقلابیون ترسیم شده و با جمعبندی تجارب حاصل از اعمال پیشین و تداوم پراتیك ، شرایط بسط و غنای هرچه بیشتر تئوری مبارزه مسلحانه بوجود می آید .

ازبدوتدوین تئوری مبارزه مسلحانه چه پراتیك خود چریکهای فدائی خلق بعنوان حاملین و مدافعین این تئوری و چه پراتیك اجتماعی درکل جامعه مهرتأئیدبر صحت این تئوری زده و رهنمودهای عملی آن حتی اگر ناآگاهانه و بطور خودبخودی و ناقص ازطرف نیروهای‌سیاسی مختلف بکارگرفته شده ، در عمل باعث پیشرفت مبارزه توده ها و تعمیق هرچه بیشتر آن گشته است .

برای نمونه دهسال تداوم خونین جنبش خلق کردپس ازشکست قیام بهمن باردیگروبروشنی ثابت نمودکه تنهاراه رهائی از سلطه امپریالیزم و دیکتاتوری امپریالیستی ذاتی آن همانا جنگ توده ای طولانی است و حفظ دستاوردهای قیام نیز بدون توسل به مبارزه مسلحانه بمثابه شکل اصلی‌مبارزه درایران امکان پذیر نمی‌باشد .

تداوم دهسال جریان مبارزه مسلحانه در کردستان نشان دادکه این مبارزه ازچه اعتباروا‌همیت بزرگی در سطح جنبش انقلابی خلقهای مابرخورداربوده و چه تاثیر شگرف و انقلابی بر جنبش دمکراتیك و ضد امپریالیستی خلقهای ایران بجا گذاشته است . با درنظر گرفتن همه فراز و نشیب های جنبش خلق کرد و ضعف رهبری آن و فقدان یك رهبری پرولتری در این جنبش بدون شك جریان مبارزه مسلحانه در کردستان حاوی تجارب بسیار پرارزش مبارزاتی بوده و منبع گرانقدرآموزش انقلابی جهت پیشبرد و تحقق استراتژی انقلاب ایران میباشد.ودریك کلام باید گفت ده سال مبارزه مسلحانه در

←

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۲

کردستان این سنگر انقلاب ایران اهمیت بس تاریخی‌بزرگی درانقلاب ماداشته و تائیدی است برتئوری پرولتری انقلاب ایران .

ولی اگربکاربست برخی از عمده ترین آموزشهای تئوری مبارزه مسلحانه هرچند بطور خودبخودی درکردستان چنان ثمرات درخشانی در بر داشته است مسلما کاربردآگاهانه رهنمود های این تئوری وپیاده کردن همه جانبه آن در جامعه نتایج بمراتب پربارترودرخشانتری ببار آورده ومتضمن پیروزی محتوم خلقهای ما و طبقه کارگر قهرمانمان خواهد بود .

براین اساس سازمان ما همواره با اعتقاد عمیق به این واقعیت کوشیده است که ضمن گسترش پراتیك خود شرایط را برای غنای هرچه بیشتر تئوری پرولتاریا در انقلاب یعنی تئوری مبارزه مسلحانه آماده نماید. اما بدون شك در پروسه طولانی حرکت سازمان فراز و نشیبهای مختلفی وجود داشته است وگاه براثر ضربات دشمن ویا اشتباهات خود سازمان،تشکیلات در موقعیتی قرار میگرفته که توانائی لازم برای گسترش پراتیك خود در حدی که ملزومات مبارزه طبقاتی میطلبیده را دارا نبوده است برای نمونه چنین اوضاعی را میتوان باوضوح تمام در سال ۶۰ مشاهده نمود.

پس ازیورش وحشیانه دشمن به توده ها ونیروهای سیاسی و انقلابی در سال ۶۰ که با انشعاب تحمیلی همان سال به سازمان همزمان گردید ، سازمان ما در موقعیت بس حساسی قرار گرفت در نتیجه لازم بود که با صبر و شکیبائی تمام نیروهائی را که برای سازمان باقی مانده و ارتباطشان قطع نگردیده بود را گرد آوری کرده و با سازماندهی مجدد آنها در جهت برنامه عمل سازمان که بطور کلی به شرکت در جنبش خلق کرد ،ایجاد هسته های سیاسی نظامی درشهرهاوسازماندهی دسته های متحرك پارتیزانی و شرکت در مبارزات توده ها در هر شکلی و سطحی که باشد و ارتقاء این مبارزات خلاصه میشد ، اقدام می نمودیم .

با توجه به ضرورت شرکت در جنبش خلق کرد و از آنجا که در جریان انشعاب تحمیلی سال ۶۰ شاخه کردستان سازمان کاملا از دست رفته بود و از سوی دیگر با توجه به ضربات سنگین دشمن وعدم امکانات لازم برای استقراریکسری از رفقا در شهرها ضمن آنکه رفقائی را برای حرکت در شهر سازمان دادیم بخش مهمی ازنیروهای باقیمانده را به کردستان منتقل نموده وبا تمرکز در کردستان ضمن بازسازی شاخه کردستان سازمان و شرکت در جنبش خلق کرد با آموزش رفقای موجود و اعزام مجدد و تدریجی رفقایی ازکردستان به دیگرمناطق ایران جهت تحقق برنامه های سازمان گام برداشتیم . بدون شك اگر ما اسیر وسوسه های به ظاهر "چپ" میشدیم ویادر مقابل مشکلات وسختیهائیکه درآن موقعیت حساس سازمانمان رااحاطه نموده بود سپر میانداختیم به جرات میتوان ادعا نمود که دیگر ازوجود چریکهای فدائیخلق ایران نمیشدسخن گفت. امّاسازمان بادرك شرایطیکه به آن تحمیل گشتهبودکه بدون شك اشتباهات وبی‌تجربگیهای خودمان در آن نقش خاص خود را داشت به وظیفه تاریخی ای که در مقابلش قرار داشت پاسخ داده و خود را برای تعرضات بعدی آماده نمود.

درکردستان پس ازگذراندن فرازو نشیب های خاص دوران پس از انشعاب و حل نابسامانیهای اولیه موفق به ایجاد انسجام نسبی در درون تشکیلات شده وبا نیروی کوچکی که داشتیم فعالانه درمبارزه مسلحانه خلق کرد شرکت کرده و توانستیم عملیات نظامی نسبتا زیادی را بر علیه رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی وپایگاههای سرکوبگرش در کردستان سازمان داده و به پیش ببریم. ضرباتی که گرچه محدود و کوچك بود امابرای سازمان کوچکی مانند سازمان ماازنقش و اهمیت بس مهمی برخوردار بود وبه این وسیله سازمان توانست باشرکت در جنبش خلق کرد،این کانون انقلاب ایران،درحد توانش نقش انقلابی در این جنبش ایفاء نموده و در

صفحه: ۷

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

همان حال اعتقاد عمیقش به مبارزه مسلحانه بمثابه شکل اصلی مبارزه در انقلاب ایران را مورد تاکید قرار دهد .

واز طرف دیگر با جذب و آموزش رفقای انقلابی درکردستان ضمن پیشبرد وظایف سازمان در کردستان در زمانها و دوره های متفاوت به اعزام رفقای چندی به نقاط مختلف ایران برای وصل ارتباطات قطع شده و سازماندهی هسته های سیاسی نظامی مبادرت نماید.درمیان این رفقابرخی‌موفق به سازماندهی حداقل ارتباطات لازم و انجام عملیات مسلحانه گردیدند ؛ رفقایی توسط مزدوران جمهوری اسلامی دستگیر و به زیر وحشیانه ترین شکنجه ها برده شدند ، رفقایی با مقاومت قهرمانانه در مقابل شکنجه های ددمنشانه دژخیمان رژیم بر عهد خود با کارگران و زحمتکشان پای کوبیدند و دلاورانه در میدانهای اعدام فریاد "زنده بادکمونیسم" سردادندوگسانی نیز سستی ایمان وضعف روحیه خویش رابه نمایش گذاشتند .

تلاشهای خستگی ناپذیررفقا برای گسترش پراتیک سازمان گرچه با ضربات دشمن و دادن قربانیهای بس ارزشمندبه نتایج وسیعی که مورد نظر سازمان بود نینجامید ولی بدون شك در تاریخ مبارزات دلاورانه چریکهای فدائی خلق هرگز فراموش نخواهد شد .

درکردستان باعلم به اینکه مبارزه در سطحی توده ای جریان دارد و نیروهائی که الزاما کمونیست نیستند را می‌توان برای پیشبرد مبارزه مسلحانه بسیج نمود و از سوی دیگر از آنجا که با توجه به بحران در جنبش کمونیستی ایران شاهد آن بودیم که انقلابیونی با دیدگاهها و نظرات مغایربا نظرات سازمان به سوی آن روی میآورند،مبادرت به ایجاد بخش دمکراتیك نمودیم که من حیث المجموع تجربه مثبتی‌بود و سازمان توانست با سازماندهی انرژی انقلابی این رفقا که در وحدت سیاسی ایدئولوژیك با سازمان نبودند وظایف انقلابی خودرا پیش ببردتجربه ای که در جای خودباید مورد بررسی دقیقتر قرار گیرد .

در این فاصله در راستای گسترش تبلیغات سازمان ورساندن صدای چریکها به توده ها و هواداران سازمان ایستگاه رادیویی را در کردستان عراق مستقرنمودیم که با توجه به همه محدودیت هایی که داشتیم ، توانستیم ادامه کاری آنراتضمین نموده و ضمن تقویت دستگاه رادیو باهمکاری رفقای اروپا وامریکا، تحلیلها و مواضع سازمان رابگوش شنوندگان آن برسانیم درعین حال در جهت تبلیغ نظرات سازمان و دفاع از تئوری مبارزه مسلحانه ووحدت بخشیدن به نظرات درون سازمان"پیام فدائی" ارگان تشکیلات منتشرگردیدکه در نتیجه تاحدی به ضعفهای پیشین درزمینه تبلیغ و ترویج نظرات سازمان فائق آمدیم .

فعالیتهای تبلیغی وترویجی و تلاش برای ایجاد کانالهای ارتباطی از کردستان عراق به ایران ازدیگرتلاشهای مبارزاتی‌ای بوده است که خود به قیمت خون بهترین همرزمان ما و در نتیجه تلاشهای بیدریغ و تحمل مشکلات بسیارانجام گردیده است و باید ارزش و اهمیت آنها را بعنوان قدمهائی در جهت تحقق اهداف و برنامه های سازمان موردتاکید قرار داد .

بدون شك فعالیتهای این دوره سازمان رابدون توجه به شدت یابی بحران در جنبش کمونیستی‌نمیتوان بدرستی‌ارزیابی نمودواقعیت اینست که با رشد بحران درسازمان چریکهای فدائی خلق ایران که بزرگترین و اصلی ترین نیروی‌جنبش کمونیستی ایران را تشکیل میداد ، بحران درجنبش کمونیستی ایران هر روز شدت بیشتری یافت . تشتت و پراکندگی وانشعاب دراین دوران خود بروشنی جلوه ای از رشد این بحران وانعکاسی است ازعدم توانائی کمونیستها در پاسخگوئی به الزاماتی که جامعه از آنها می طلبید .

نفوذ اپورتونیزم و رویزیونیزم در درون سازمان چریکهای‌فدائی خلق ایران وبحران ناشی ازآن، شکست قیام بهمن و یورش لجام گسیخته ارتجاع به

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

جنبش انقلابی و در عین حال تاثیرات منفی سازشکاریها و ندانم کاریهای سازمانهای خرده بورژوائی که بالطبع بنابه ماهیت خویش نمیتوانستندمبین دورنمای انقلابی در مقابل جنبش خلق باشندمجموعاوضعیتی راباعث گشت که جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی خلقهای ما که می‌بایست در جهت نابودی امپریالیزم و سگان زنجیریش و برقراری جامعه ای نوین گامهای هرچه بلندتری بسوی پیروزی بردارداز‌شکوفائی خود بازمانده، وتشتت وپراکندگی بر آن حاکم گردد. چنین وضعی خود زمینه رشد روحیه یاس و ناامیدی و تسلیم طلبی در بین روشنفکران گشته و جو بی اعتمادی و رواج پاسیفیسم راهرچه بیشترد امن زده است. درهرحال باتکیه براین اصل که پدیده هاراباید در رابطه با شرایطی که درآن قرار داشته اند ودرپیوندباآن موردبررسی قرار دادوبااذعان به اینکه تشتت و پراکندگی در جنبش انقلابی و گسترش بحران درجنبش کمونیستی نمی‌توانست تاثیرات مخرب خود را دررشدسازمان ما بمثابه جزئی از جنبش کمونیستی ایران باقی نگذارد؟ باید بگوئیم در شرایطی که پیشروی جنبش نیازمند پاسخگویی بوظایف هرچه بزرگتروسنگین تری بوده و بنابه گواه واقعیات بسیار، راه برون رفت از بحران موجود در جنبش کمونیستی تنهاباراه گشایی عملی توسط کمونیستهاامکانپذیرمی‌باشد، تشکل کوچك ما که خود زائیده این بحران بوده و از دل آن بیرون آمده است بدلیل محدودیت ها، کمبود ها و نواقص خود از توان لازم برای پاسخگویی به این مهم برخوردارنبوده ودرهرصورت این واقعیتی است که روند حرکت سازمان ماباتمام فرازونشیبهای خودبه قدرت گیری آن دربطن شرایط اجتماعی ایران و گسترش پراتیك مسلحانه در سراسر جامعه منجرنشده وتلاشهای ما در ایجاد تشکلهای رزمنده ای که با انجام عملیات مسلحانه بعنوان رکن اصلی فعالیت های انقلابی، پیشبرد مبارزه مسلحانه را بعنوان شیوه اصلی مبارزه درایران به پیش ببرند، ثمربخش نبوده است.

مسلمادربوجودآمدن چنین وضعیتی صرفنظرازعوامل دیگرباید به اشتباهات خودمان که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد تأکیدنمائیم بویژه که درچندسال اخیربا شرایطی که بدلیل تعرضات جمهوری اسلامی به کردستان و عقب نشینی های جنبش خلق کرد و وقوع درگیریهای حقیر درونی در این جنبش و همچنین گسترش جنگ ایران و عراق به نوارمرزی کردستان بوجود آمد ومحدودیتهای باز هم بیشتری در مقابل رشد سازمان ایجادگردید، مانتوانستیم بابرخوردجدی وفعال برنامه هایی راکه باتوجه به این روندهادرنظر گرفته بودیم بطور کامل دنبال نمائیم.

بااعتقاد به واقعیت فوق و از آنجا که کوششهای مادر جهت گسترش پراتیك سازمان در سراسر جامعه با موفقیت همراه نبوده و عملیات مسلحانه سازمان به کردستان محدود گشته بود ضرورت بررسی راههای مختلف حل این معضل در مقابل ما قرار داشت، امری‌که مدتهاوبه اشکال گوناگون در سازمان ما تحت عنوان برخورد به "نقشه مبارزاتی" تشکیلات مورد توجه قرار گرفته بودو برخورد انقلابی حکم میکرد که مسائل فوق راباجدیت هرچه بیشتری مورد بررسی قرار داده و با توجه به مجموعه راه حلهائی که از سوی رفقادراین زمینه طرح میشد باردیگر راه حلی که بیانگر اراده اکثریت سازمان باشد را مشخص و راهنمای حرکت خود قرار دهیم.

درنشست تشکیلاتی فوق الذکر واقعیتهای فوق تحت عنوان برخوردبه "نقشه مبارزاتی" سازمان ودرهمین رابطه برخورد به گذشته مورد بحث قرار گرفت و نتیجه کلی و اساسی این مباحثات تاکید براین نکته بود که از آنجاکه لازمه پیشبرد امر انقلاب رشد وگسترش تشکیلات رزمنده و ادامه کار در بطن شرایط جامعه میباشد باید تماسی کوشش های خود را درجهت قرار دادن سازمان دربطن شرایط اجتماعی خودمتمرکز نمائیم؛ بر این اساس راههای

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

برون رفت از موقعیت فعلی مورد بررسی قرار گرفت و اقدامات و فعالیتهای تشکیلات در راستای مورد نظر باتوجه به امکانات و قدرت سازمان مشخص گردید. در رابطه باامرفوق برنقدروندحرکتی پیشین سازمان جهت درسگیری هرچه مشخصترازتجارب فعالیتهای انجام شده تاکید شد.

باتوجه به آنچه گفته شد و تحولات اخیر برامر تداوم برنامه های "صدای چریکها" تا آنجاکه امکانات عینی اش مهیا باشدتاکید گردیدو کوشش برای ادامه کاری "پیام فدائی" ارگان سازمان مورد توجه قرار گرفت و به این اعتبار انجام فعالیتهای تبلیغی و ترویجی بعنوان وظیفه همیشگی کمونیستها در نشست تشکیلاتی مورد تاکید قرار گرفت، اهمیت این مهم بخصوص باتوجه به این امر که تشدید بحران در جنبش کمونیستی و کارزار ضد مارکسیستی اپورتونیستها و سازشکاران وانحلال طلبان برعلیه تئوری انقلاب ایران در جهت خلع سلاح طبقه کارگر دفاع از زرادخانه پرولتاریادرمقابل این حملات رابا برجستگی هرچه بیشتری درمقابل مدافعین تئوری پرولتری انقلاب ایران یعنی تئوری مبارزه مسلحانه قرارمیدهد،آشکارمیگردد.

یکی دیگرازمحورهای مورد مباحثه‌در نشست،مسئله مبارزه ایدئولوژیک درونی در سازمان بودکه بابررسی ضعفهائی که در این زمینه وجودداشته است و با تاکید براین امر که مبارزه ایدئولوژیک فعال حول مسائل مبرم جنبش و سازمان یکی از مهمترین وسائل تامین انسجام و یکپارچگی تشکیلات بوده وراه پیشرویهای آینده آنرا همواره میسازد، در جهت جاری نمودن مبارزه ایدئولوژیک سازمانیافته و با برنامه رهنمودهای مشخصی داده شد. و تاکید گردید که مبارزه ایدئولوژیک دررابطه با مسائل مبرم جنبش و سازمان در نشریه درونی سازمان تحت نظارت ارگان مشخص پیش رفته و ضمن آگاه نمودن ضرورت شرکت رفقا در این مبارزه کوشش شود تمامی رفقا فعالانه دراین امر شرکت نمایند.

درهمین رابطه ضرورت انجام مبارزه ایدئولوژیک درون تشکیلاتی بصورت علنی در سطح جنبش مطرح گردید ولی از آنجا که اکثریت رفقا معتقد به ناکافی بودن بحث ها دراین زمینه بودند برخورد به این مسئله به فرصت دیگری موکول گردید.

محور بعدی مباحثات نشست برخوردبا مسائل تشکیلاتی بود که دراین چارچوب مسائل چندی مورد بررسی قرار گرفت که از جمله بایدبه چگونگی اجرای سانترالیزم دمکراتیک وموفقیتهائی که دراین زمینه بدست آمده است اشاره نمود.

اگر سانترالیزم دمکراتیک بعنوان اساسی‌ترین اصل کار تشکیلاتی به معنای اتحاد در عمل و آزادی بحث و انتقاد،در رئوس کلی،خود رابه شکل انتخابی بودن ارگانها ،گزارشدهی از بالا به پائین وبالعکس و رعایت انضباط سازمانی نشان میدهد در جریان مباحثات روشن گردید که سازمان توانسته است تاحدودی برضعفهائی که دراین زمینه داشته فائق آید ودراین چهارچوب از آنجا که گزارشدهی‌بعنوان امری سیستماتیک ومرتب ازکلیه فعالیتهای‌تشکیلاتی درسطح اعضای سازمان وجود داشته است (مرکزیت سازمان هر ۶ ماه گزارشی فعالیتهای خودرا کتبادر اختیار تمامی اعضا سازمان قرار میداد)ولی به این امر در سایر سطوح روابط تشکیلاتی بطور پیگیر ومنظم کمتر بها داده شده بود. قرار براین شد که از طریق گزارشات کتبی و برگزاری جلسات مختلف سطوح گوناگون روابط تشکیلاتی این نقصان نیز برطرف گردد.

در رابطه با امر انتقاد وانتقادازخود،ازآنجا که انتقاد درون تشکیلاتی سلاحی است که باعث استحکام وتقویت تشکیلات و نیروی رزمنده آن میشود و در صورتیکه این سلاح دریک تشکیلات کمونیستی درست بکارگرفته شود و به آن بمثابه وسیله ای در جهت ارتقاء وحدت های موجود به وحدت در سطح عالیتر نگاه شود و نه وسیله ای برای حملات شخصی و انتقام گیری،

صفحه: ۱۰

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

بدون شك صفوف رزمنده سازمان ازاستحكام هرچه بیشتری‌برخوردار خواهد گردید .واز آنجاكه وظیفه عمده انتقادنشان دادن اشتباهات سیاسی تشكیلاتی می‌باشد نه افشای نواقص شخصی ، در نشست بر این امر تاكید گردید كه سازمان نتوانسته است این سلاح رابدرستی در روابط درونی بكارگیرد .و در نتیجه قرار براین شد كه ضمن آموزش هرچه بیشتر این اصل در جهت جاری ساختن آن در سازمان كوشش های لازم مبذول گردد.

درچارچوب مسائل تشكیلاتی جمعبندی از تجربیاتی كه سازمان در ایجاد بخش دمكراتیك بدست آورده است نیز مورد توجه قرار گرفت و ضمن تاكید بردرستی این سیاست و دستاوردهائی كه در این زمینه سازمان كسب نموده است بمثابه یك تجربه بر این امر تاكید گردید كه درجهت جذب هرچه بیشتر رفقائی ازاین بخش به صفوف سازمان باید آموزش های سیاسی تشكیلاتی با تاكید هر چه بیشتر مورد توجه قرار گیرد. و در همان حال برای رفع نقصانهائی كه در این زمینه وجود داشته است نشست قراری مبنی بر گسترش گزارش دهی به این بخش از تشكیلات را صادر نمود .

محور دیگری كه قرار بود در نشست مورد بحث قرار گیرد حك و اصلاح اساسنامه سازمان بود كه بنابه نظر اكثریت رفقا به فرصت دیگری موكول گردید. و سپس پس از پایان مسائل مورد بحث كه بخشا دربالامورد اشاره قرار گرفت ، انتخابات برای تعیین ارگانهای رهبری سازمان انجام شد و این ارگانها انتخاب گردیدند.

رفقا!

در شرایطی كه سلطه امپریالیستی با توسل به وحشیانه ترین سركوبها انقلاب خلقهای ما را مختنق ساخته و میكوشدتابه هروسیله كه میتواند هر صدای اعتراضی را در گلو خفه سازد، در شرایطی كه در هرگوشه این سرزمین فریاداعتراض توده‌ها طنین افكنده ولرزه برانندام نظام محتضر و گندیده حاكم می‌اندازد،در شرایطی كه با توجه به وسعت و شدت مبارزات توده ها تضادهای درونی طبقه حاكم شدت یافته وسگان زنجیری امپریالیسم به جان هم افتاده اند ، شرایط كاملا مساعدی برای رشد و اعتلای هرچه بیشترجنبش انقلابی خلقهای ما بوجود آمده است، متاسفانه جنبش خلق ماازفقدان یك رهبری انقلابی دررنج است وهمین واقعیت وظیفه بس بزرگی را در مقابل كمونیستها و رزمندگان خلق ما قرار میدهد.

فقدان یك رهبری انقلابی درشرایط بحران در جنبش كمونیستی ،مشكلات بزرگی درمقابل انقلاب ماقرار داده است ،مشكلاتی كه برای فائق آمدن برآنها باید پرشورتر از همیشه بپاخاست .

بدون شك حل مشكلات انقلاب كار آسانی نیست و دشواری خاص خود را دارد اما كمونیستها در طول تاریخ خونین خود نشان داده اند كه هرگز از مشكلات نهراسیده وبا درسگیری ازشكستهای خود پله های صعود به پیروزی را درنوردیده و طی خواهند نمود .

دهسال حاكمیت سیاه جمهوری اسلامی بار دیگر نشان داده كه مبارزه سخت است و طولانی و در همان حال با روشنی حیرت انگیزی ثابت نمود كه راهی جزمبارزه ای خونین وجود ندارد .در این مسیر یاران زیادی را از دست خواهیم داد. اما پیروزی ازآن ماست گرچه در شرایطی قرار داریم كه تنها انقلابیون میتوانند به پیروزی بیاندیشند، انقلابیونی كه بدون هراسیدن از مشكلات و سختیها ، با ایمان به پیروزی راهشان برعلیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش همچنان می‌رزمند.

بنابر این امروز وظیفه تمامی چریكهای فدائی خلق و رهروان انقلابی راه آنهاست كه با هرآنچه در توان دارند در جهت تحقق آرمانهای انقلابی‌تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاكتیك گام بردارند و در روند پر پیچ و خم و حساس كنونی مبارزه ،سازمان را یاری رسانند؟ تادر پروسه ای هرچه سریعتر سازمان ما قادر به ایفای نقش انقلابی هرچه فعالتری در نبرد عادلانه كنونی توده ها بر علیه امپریالیزم و سگان زنجیریش گردد ؟ و گامهای هر چه بلندتری درجهت برقراری جمهوری دمكراتیك خلق برای نیل به سوسیالیسم بردارد.

صفحه: ۱۱

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ ـ مهر ۶۲

اپورتونیزم و مسئله تمرکز در نیروهای سرکوب رژیم

از صفحه ۳۶

مسلحانه محدودی نیز منجر گردیده بود و طرح لایحه‌ای در جهت ادغام وزارت سپاه با وزارت دفاع در مجلس ضد خلقی که سرانجام نیز به مدت ۶ ماه بررسی آن به تعویق انداخته شد و اعلام امکان ادغام سپاه و ارتش و تشکیل ستاد مشترکی به منظور ایجاد "هماهنگی" بین ارتش و سپاه از سوی رفسنجانی تلقی‌های مختلفی را در سطح جامعه بوجود آورده و سوالات گوناگونی را در اذهان عمومی برانگیخت، سوالاتی همچون: آیا جمهوری اسلامی به واقع سپاه پاسداران ضدخلقی را منحل خواهد کرد؟ آیا سپاه در ارتش ادغام خواهند یا ارتش در سپاه حل میشود؟ و گاها نیز این سوال طرح میشد که آیا سپاه پاسداران کوتقا خواهد کرد؟ و.....

این سوالات و مسائل مربوطه زمینه‌ای شد تا اپورتونیستهای رنگارنگ به اعتبار تحلیل‌های اپورتونیستی خود از ماهیت رژیم و نیروهای سرکوبگرش به اظهار نظر پرداخته و مواضع اپورتونیستی خود را بار دیگر به نمایش بگذارند. مواضع نادرست و دیدگاههای انحرافی‌ای که بدون شک اشاعه آنها در جنبش انقلابی ما در روند پیشروی و تعمیق آن مضر و خطرناک بود به خصوص در شرایطی که در زمینه بحرانهای موجود در جامعه، امپریالیستها برعلیه کارگران و زحمتکشان ما هر روز به نسبه جدیدی متوسل میباشند؛ درنتیجه ضرورت پاسخ درست و انقلابی به مسائل فوق با برجستگی هر چه بیشتری در مقابل کمونیستها قرار میگیرد.

اگر مواضع اپورتونیستها را مورد بررسی قرار دهیم میبینیم که بنیاد اکثر این تحلیل‌ها بطور غیر علمی و غیر واقعی بر "استقلال" جمهوری اسلامی و بالطبع ارگانهای سرکوبگرش از امپریالیستها قرار دارد و این تحلیل‌ها امپریالیزم را نه به عنوان عامل تعیین کننده در روند حرکت جامعه ما بلکه به عنوان عاملی که به هر حال نقشی دارد در نظر میگیرند و بالطبع برای سپاه و ارتش نیز "استقلال" قائل بوده و این ارگانهای سرکوبگر را به مثابه دو تشکیلات کاملا "مستقل" و "هموزن" در نظر میگیرند "دو ارتش" که "متضاد" یکدیگرند و به اعتبار تضادهای عمیق و حاد بین آنها در هیچ صورتی جمهوری اسلامی توان متمرکز کردن آنها در یک ارگان واحد را نخواهد داشت و یا ابلهانه‌تر از این مطرح میکنند در صورتی که قرار بر "ادغام" یا "انحلال"ی هم در بین باشد چون سپاه نیروی ایدئولوژیک رژیم میباشد در نتیجه این ارتش است که باید در سپاه ادغام یا منحل گردد و نه بالعکس.

در میان طیف رنگارنگ اپورتونیستهائی که اشاعه دهنده این تفکرات انحرافی میباشند در این مقاله ما دیدگاههای "شورایعالی" اقلیت و راه کارگر را مورد توجه قرار داده‌ایم.

اقلیت (شورایعالی) در نشریه خود (کار شماره ۴ تیرماه ۶۲) در مقاله‌ای به نام "تمرکز در نیروی سرکوب جمهوری اسلامی از حرف تا عمل" در رابطه با دلائل انتصاب رفسنجانی به جانشینی فرمانده کل قوا از سوی خمینی مینویسد: "سردمداران جمهوری اسلامی بر این امر واقفند که ادامه وضعیت فعلی و تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف این یا آن مرتجع متنفذ خطر ایجاد شکاف در نه تنها ماشین سرکوب بلکه ارکان قدرت جمهوری اسلامی را بیش از پیش محتمل میسازد" و در رابطه با فرمان فوق الذکر خمینی آنرا نشاندهنده: "تلاش جمهوری اسلامی برای خلاصی از وضعیت کنونی خود و اهمیت این تمرکز برای کلیت جمهوری اسلامی" قلمداد نموده و در عین حال مطرح میکند که تشدید تضادهای درونی رژیم "تلاش جمهوری اسلامی در این عرصه را با شکست کامل مواجه ساخته، اقدامات آنرا در همان گامهای نخست عقیم میگذارد".

نویسنده مقاله احکام فوق را برمبنای این "تحلیل" صادر میکند که گویا تناقضات درونی رژیم "نتیجه جبری

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسم نیست

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ ـ مهر ۶۲

تناقض روبنای سیاسی جمهوری اسلامی با نظامی است که این رژیم با توسل به ادعیه و اوراد قرون وسطائی در صدد حفظ و تطهیر آنست".

بسیار جالب است زیر پوشش مارکسیسم، اقلیت (شورای عالی) "ادعیه و اوراد" اشاعه می‌دهد. بگذارید روی این موضوع مکث نمائیم نظامی که جمهوری اسلامی "در صدد حفظ و تطهیر آن است" جز نظام سرمایه‌داری وابسته ایران نیست که جمهوری اسلامی به مدت ده سال در خدمت آن قرار گرفته است ولی چگونه این امر امکان پذیر شده است؟ اقلیت (شورای عالی) به ما می‌گوید بوسیله "ادعیه و اوراد قرون وسطائی"!؟ بله براساس تحلیل مضحک نویسنده مقاله فوق‌الذکر که جمهوری اسلامی در دهسال اخیر با "ادعیه و اوراد" روابط ظالمانه اقتصادی موجود را "حفظ و تطهیر" کرده است؛ آن هم در حالیکه این نظام با موجودیت خود وی یا به عبارت (شورای عالی) اقلیت با "روبنای سیاسی جمهوری اسلامی" در تناقض قرار دارد. بواقع باید گفت سحر جادوئی "ادعیه و اوراد" جمهوری اسلامی قبل از هر چیز همان نویسنده مقاله فوق الذکر را بر روی واقعیت‌های انکارناپذیر جامعه ما بسته است. اگر احکام مادره "نویسنده" را بپذیریم بالاجبار باید قبول کنیم که در دهسال اخیر سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران نه با زور سازمان یافته مسلح بلکه با "ادعیه و اوراد قرون وسطائی" جمهوری اسلامی حفظ گشته است و اگر کارگران و توده‌های ستمدیده ما برعلیه این روابط ظالمانه و استثمارگرانه به پا خاسته و مورد سرکوب قرار گرفته‌اند بطوری که سیمای واقعی جامعه ما را سرکوب وحشیانه کارگران و توده‌های ستمدیده تشکیل می‌دهد این امر نه به دلیل وجود ارتش ضد خلقی و دیگر ارگانهای سرکوبگر بمثابه فرزندان کوچک و بزرگ این ارتش بلکه بدلیل معجزه موهوم آن ادعیه و اورادی حاصل گشته که رژیم گویا از اعماق قرون وسطی به قصد "حفظ و تطهیر" نظام موجود بیرون کشیده است!

ولی آنچه "نویسنده" می‌گوید نافی همه واقعیات موجود میباشد (شورای عالی) اقلیت در صورتیکه بخواهد در جهت ارائه تحلیل مارکسیستی از مسایل گام بردارد باید به جای "بنا"ی "کمونیسم" به فراگیری الفبای مارکسیسم بپردازد تا دریابد حفظ نظام موجود در ایران اساسا با زور سازمان یافته امکان پذیر گشته و ارتش و زائده‌های آن به مثابه عمده‌ترین عامل بقا سلطه امپریالیستی درست در جهت تحقق امر فوق وظیفه سرکوب مبارزات توده‌ها را بر عهده دارند و در دهسال اخیر نیز با سرکوب ددمنشانه کارگران و دیگر توده‌های مبارز ما به خوبی به وظیفه ضد خلقی خویش عمل نموده‌اند. اگر متاسفانه "شورای عالی" نمی‌داند و یا نمی‌خواهد بداند برعکس جمهوری اسلامی بخوبی می‌داند که در دهسال اخیر نه به اعتبار "ادعیه و اوراد قرون وسطائی" بلکه با توسل به سرکوب خونین و سیستماتیک انقلاب بوسیله همین نیروهای مسلح سرکوبگر و اعمال محیلانه‌ترین سیاستهای نو استعماری به حفظ نظام موجود پرداخته است و علیرغم تفکرات غیر مارکسیستی "شورای عالی" "روبنای سیاسی جمهوری اسلامی" نیز نه تنها تناقضی با کل نظام ندارد بلکه کاملا در انطباق با شرایط بحرانی نظام سرمایه‌داری وابسته ایران بوده و به همین دلیل نیز این رژیم مورد حمایت امپریالیسم جهانی قرار دارد و اگر غیر از این بود با توجه به وضعیت وخامت بار و رقت انگیز او که عدت تناقضات درونیش تنها جلوه‌ای از این امر میباشد این رژیم یک روز نیز نمی‌توانست بر سر کار بماند. در واقع شورای عالی این حقیقت را نمی‌تواند درک کند که قدرت سیاسی در جامعه ما در حقیقت انعکاس قدرت امپریالیسم جهانی است بنابر این چه می‌توان گفت به کسانی ظواهر رژیم جمهوری اسلامی با "ادعیه و اوراد"اش آنها را چنان فریفته است که نمی‌توانند دریابند که اتفاقا این ظواهر از ملزومات حفظ نظام بحران زده کنونی ایران است و سلطه امپریالیستی برای حفظ و تداوم خود به هر وسیله‌ای متوسل شده و به اشکال گوناگون خود را بروز می‌دهد.

نویسنده مقاله مزبور با انکار این واقعیت تضاد بین ارگانهای مختلف سرکوب جمهوری اسلامی را "بازتاب" تضاد خیالی خود یعنی "تناقض روبنای سیاسی جمهوری اسلامی با نظام" حاکم دانسته و در حالیکه ارتش را جز "ارگانهای حاضر و آماده بورژوازی" می‌خواند و معتقد است که جمهوری اسلامی نیز "ارگانهای خاص خود" را بوجود آورده است نتیجه می‌گیرد که "اتکاء اصلی رژیم به سپاه پاسداران" میباشد. نویسنده دیگر وارد این بحث نمی‌شود که اگر اتکاء اصلی رژیم بر سپاه پاسداران بوده است پس در این دهسال "بورژوازی" و ارگان "حاضر و آماده"اش در این کشور چکاره بودند و چه سیاستهائی را پیش می‌بردند؟ و اگر شورای عالی می‌پذیرد که در

صفحه: ۱۳ **پیام فدائی** سال سوم
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره: ۲۱ ـ مهر ۶۷

ایران بورژوازی وابسته [البته از نوع متوسط اش] در این دهسال طبقه حاکمه بوده‌است و منطقا ارگان "حاضر و آماده بورژوازی" نمز عامل عمده بقای سلطه آن میباشد پس دیگر سخن گفتن از اتکاء اصلی رژیم بر سپاه پاسداران چه معنائی میتواند داشته باشدو در این صورت فجایعی را که ارتش ضد خلقی در دهسال اخیر و بویژه در رابطه با سرکوب خلقهای رزمنده ایران آفریده است، چگونه باید توضیح داد. به واقع که نویسنده نمیتواند هم وارد این بحث‌شود که اتکاء اصلی رژیم را به سپاه پاسداران تلقی کرده یعنی انکار نقش ضد خلقی ارتش مثلا در کردستان که بنا به گواه واقعیات بسیار و اذعان پیشمرگان قهرمان خلق کرد سپاه پاسداران بدون تکیه به آن نمیتوانست اعمال سرکوبگرانه خویش را پیش ببرد و اعتقاد به این امر یعنی تطهیر چهره ددمنشانه ارتش امپریالیستی یا بنابه تعریف شورای عالی اقلیت تطهیر ارگان "حاضر و آماده بورژوازی" ولی کدام ارگان "حاضر و آماده بورژوازی"؟ اگر شورای عالی میپذیرد که ایران تحت سلطه امپریالیزم میباشد و طبقه حاکمه در این جا بورژوازی وابسته است پس در بررسی نیروهای سرکوبگر حافظ سلطه امپریالیزم و "پایگاه اجتماعی" آن باید به تاریخ شکل گیری این ارگان "حاضر و آماده" بورژوازی مراجعه نمایند.

واقعیت این است که ارتش ضد خلقی ایران پس از کودتای رضاخان شکل گرفت. امپریالیزم با کودتای رضاخان در حقیقت فئودالیسم فرتوت را از قدرت سیاسی بطور قطعی کنار زده و این قدرت را کاملا به زیر سیطره خود درآورد و با ایجاد یک قدرت مرکزی که متکی به یک ارتش سازمان یافته و حرفه‌ای بود هم جنبش ضد امپریالیستی خلق ما را سرکوب نمود و هم زمینه را برای بسط نفوذ هرچه بیشتر خود مهیا کرد.

امپریالیستها در طول تاریخ برای کسب و گسترش مناطق تحت نفوذشان با تکیه به زور و قهر ضد انقلابی که جزء لاینفکی از سلطه ضد انقلابی آنها میباشد کوشیده‌اند خلقهای جهان را سرکوب نمایند، چرا که اصولا منافع امپریالیزم یعنی سرمایه‌داری انحصاری ایجاب میکند که این غارتگران خونخوار جهانی و قاتلان خلقهای تحت‌ستم برای جپاول و غارت هرچه بیشتر دسترنج کارگران و زحمتکشان بیش از هر چیز متکی به ارتشها و مؤسسات سرکوب عریض و طویلی باشند که با سازماندهی و تغذیه آنها و با بدست داشتن عنان این ارتشها امنیت گردش سرمایه‌های افسانه‌ای وتحصیل سودهای نجومی را به بهای فقر و فلاکت کارگران و خلقهای تحت‌ستم برای خود امکان پذیر سازند بویژه که سلطه امپریالیستی بنابه ماهیت غارتگرانه خود همیشه با اعتراض و مبارزه خلقها مواجه گشته و بخصوص در شرایط رشد و تکوین فزاینده جنبشهای انقلابی مسلحانه ضرورت وجود چنین ارگانهائی با برجستگی تمام خودرا نشان میدهد.

در میهن تحت‌سلطه ما نیز با گسترش و تعمیق این سلطه غارتگرانه، امپریالیستها ارتش ضدخلقی دست‌سازخویش را با سازماندهی و آموزش و تجهیز آن به آخرین سلاحهای مرگبار و وسایل نظامی هرچه مدرنتر با صرف هزینه‌های بسیار از کیسه خلقهای تحت‌ستم ما، به یک تشکیلات ضد خلقی حرفه‌ای قوی تبدیل نموده و به مثابه قدرتمندترین اهرم ماشین دولتی وابسته موجود در جهت‌حفظ سلطه امپریالیسم و نظام وابسته حاکم نه تنها در ایران بلکه در منطقه نیز بکار گرفته‌اند. ارگانی که بزرگترین عامل سد کننده انقلاب بوده و بدون نابودی آن کوچکترین تغییر انقلابی را در نظام کنونی نمیتوان متصور شد.

اقلیت شورای عالی با عدم درک این واقعیت در تحلیل مضمحک خود تا آنجا پیش میرودکه ضمن نادیده گرفتن این ارگان "حاضر وآماده" تکیه اصلی جمهوری اسلامی را سپاه پاسداران اعلام میکند و سپس با توسل به "جناح بازی" معروف، ارگانهای سرکوبگر رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی را به "مناطق نفوذ جناحهای مختلف" تقسیم مینماید ولی چنین تقسیم بندی جز تکرار همان داستان "دو جناح" معروف اپورتونیستهای ما در تحلیل ماهیت قدرت دولتی پس از قیام بهمن نیست که ضربات زیادی به جنبش خلق وارد نموده دو جناح "خرده‌بورژوازی" و "بورژوازی لیبرال" و یا امثال آن که خیلی از به اصطلاح مارکسیستهای ما در توضیح ماهیت رژیم جمهوری اسلامی به "کشف" آن نائل آمده بودند و با هر سیاست محیلانه رژیم به خیال خود برای تضعیف جناحی در مقابل جناح دیگر و یا تقویت جناحی بر علیه جناح دیگر به دنبالروی از بورژوازی تماما ضد انقلابی کشیده میشدند آن منطق امروز و در شرایطی دیگر و بشکلی دیگر خود را در به اصطلاح تحلیل شورای عالی نشان میدهد و از امروز آیا نباید از "شورای عالی" پرسید چرا دهسال پس از حاکمیت

صفحه: ۱۴

پیام فدائی

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سپاه جمهوری اسلامی ونتایج فاجعه‌بارچنین نمونه‌هائی ازاین "جناح" بازی مبتذل دست برنمی‌دارید؟

اقلیت (شورای عالی) که این "جناح" بازی را درمستقل نشان دادن سپاه از ارتش آنهم به این شکل که ارتش از آن بورژوازی است و سپاه از آن جمهوری اسلامی که خوددرتضاد با "نظام" حاکم میباشد بروز میدهد به اصطلاح تحلیل‌مارکسیستی خود را تا آنجا پیش میبرد که نه تنهاسپاه و ارتش را نیروهای مستقل از یکدیگر تلقی مینماید بلکه از "وجود نیروهای هموزن و با وظایف کمابیش یکسان از قبیل ارتش و سپاه‌پاسداران، کمیته‌ها و شهربانی و غیره و تلاش همیشگی آنها برای تفوق بردیگری و گسترش هرچه بیشتر حوزه عمل خود" سخن میگوید و البته بدون اینکه قادر باشد "تلاش همیشگی "آن "نیروهای هموزن" برای‌تفوق بردیگری" را در جریان نهسال زندگی مشترک این نیروها با همدیگر نشان داده و حکم خود را به اثبات برساند و توضیح دهد که چگونه این "نیروهای هموزن" ۸ سال تمام در کنار هم در جهت منافع امپریالیستها جنگی در ابعاد جنگ‌ایران و عراق را پیش بردند و چگونه نهسال است در سرکوب‌جنبش‌خلق کرد به "تلاش همیشگی "هان ادامه میدهند و چرا علیرغم همه آن تفوق‌جوئی‌ها برای "گسترش‌هرچه بیشتر حوزه عمل‌خود" ما شاهد درگیریهای شدید خونین بین‌آندو نیروی "هموزن" "متضاد" نبوده‌ایم؟ و اگر "تقسیم ارگانهای‌سرکوب‌رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف" حقیقت‌دارد شورای‌عالی باید توضیح دهد که چرا در زمان‌هائیکه بخشی از هیئت‌حاکمه بر اثر حدت‌یابی تضادهای درونی طبقه حاکمه تصفیه میشدند صدای هیچ گلوله‌ای شنیده نمیشد و مثلا به عنوان نمونه چرا وقتیکه بنی‌صدر آنهم به مثابه "فرمانده کل قوا" به آن‌شکل از کاربر کنار گردید ارگان "حاضروآماده بورژوازی" یعنی‌ارتش هیچ اقدامی نکرد؟و امروز در حالیکه "جناحهای مختلف" به هم جنگ‌و دندان نشان داده و به دریدن هم مشغولند از "مناطق نفوذ" این "جناحهای مختلف" اقدامی مشاهده نمیشود؟

آیا براستی با "جناح بازی" و "تقسیم ارگانهای سرکوب‌رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف" و تفکیک سپاه‌پاسداران از ارتش بدلیل آنکه گویا یکی تکیه‌گاه "اصلی "رژیم و دیگری ارگان "حاضر و آماده بورژوازی" میباشد میتوان با مستقل جلوه دادن ارتش و سپاه پاسداران از یکدیگر به طور علمی و مستدل به سوالات فوق پاسخ گفت؟مسلما نه‌چرا که در واقعیت‌امر سپاه پاسداران و هر ارگان ضد خلقی از این نوع که برای‌سرکوب انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ما سازمان یافته‌اند در خدمت‌ارتش قرار داشته و افسار این ارتش نیز در دست‌امپریالیستهاست.

سازمانی که مدعی است‌اتکاء اصلی جمهوری اسلامی به سپاه پاسداران میباشد فراموش کرده است که اساسا قبل‌از اینکه این رژیم بر اریکه قدرت‌قرارگیرد و سپاه‌پاسدارانی وجود داشته‌باشد این ارتش بود که به دستور اربابان خود با حمایت‌از خمینی شرایط برقراری جمهوری اسلامی را مهیا نمود و پس‌از تشکیل سپاه‌پاسداران نیز قبل‌از آنکه این سپاه کاملا شکل بگیرد این ارتش بود که ترکمن‌صحرا را به خاک و خون کشید و مردم قهرمان سنندج را البته‌نه با "دعیه و اوراد" بلکه با توپ و خمپاره گفتار نموده و نوروز خونین سنندج را آفریده، و در نهسال اخیرنیز علیرغم رشد و گسترش‌سپاه‌پاسداران و تحقق عمار جانمان چگونه‌ایس "اکثریتی" مبنی بر "پاسداران را به سلاح سنگین مسلح کنید" باز هم این ارتش است که ۸ سال در جبهه‌های جنگ و سرکوب کردستان همچنان در جهت‌حفظ نظام موجود گام برمیدارد. این فراموش کاری از طرف‌شورای‌عالی جز به معنی آن نیست‌که وی در لباس مارکسیسم با توسل به غیر مارکسیستی‌ترین تحلیلها کارگران و زحمتکشان را ازدستیابی به حقیقت‌باز میدارد و چهره ارتش‌ضد خلقی را تطهیر مینماید.

اگر شورای‌عالی فراموش کرده است‌که مجاهدین سالها با اشاعه این توهم که سپاه‌پاسداران اتکاء اصلی رژیم خمینی و تنها ارگان سرکوب وی بوده و ارتش‌طرفدار مجاهدین و بنی‌صدر میباشد به تطهیر ارتش میپرداختند و اگر فراموش کرده‌است که‌آنها بدین نحو و با لاپوشانی دستان خون‌آلود ارتش در نقاط مختلف‌ایران و از جمله در "مسئله‌کردستان" خاک‌به چشم توده‌ها میپاشیدند ولی کارگران ما این واقعیات‌تلخ را فراموش نکرده‌اند و امروز نیز میتوانند پس‌از آن همه تجارب منفی و دردناک قضاوت‌کنند که‌علیرغم همه فحاشیها و اعلام ضدیت‌های اقلیت و مجاهدین چگونه شورای‌عالی با تمامی بزک‌کاریهای ممکن در همان راه گام

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

برمی‌دارد و ببینندکه براستی کی از کی تقلید می‌کنـــد؟ و چگونه اپورتونیستها و سازشکاران از روی دست همدیگـــر رونویسی می‌کنند.

برای اینکه ماهیت ضد خلقی و عملکردهای جنایتکارانه ارتش هرچه بهتر باز آوری گردد تا عمق گمراهی اپورتونیستها و اندیشه‌های انحرافی و غیر علمی آنان در مورد ارتش بـــا برجستگی هرچه بیشتر خود را آشکار نماید و به جهت نشـان دادن چرائی و چگونگی شکل گیری سپاه پاسداران لازم است بـه اختصار به توضیح مسائل مربوط به این دو ارگان سرکوبگـــر بپردازیـــم.

تاریخ شکل گیری ارتش امپریالیستی ایران را اصولا باید با تاریخ تحولات سلطه امپریالیستی در ایران در ۷۰ سال اخیر مورد بررسی قرار داده اگر ارتش ایران تـــوســـط امپریالیستهای انگلیسی شکل گرفت؛ در جریان جنگ جهانـــی دوم بدلیل ضعف امپریالیزم مسلط یعنی انگلستان به تدریج ایران در حوزه نفوذ امپریالیزم امریکا که در سطح جهانی نیز فاتح جنگ جهانی دوم بود قرار گرفت. امپریالیسم امریکا به اعتبار قدرت اقتصادی خود و ضعف امپریالیستهای کهن بخشهای زیادی از مناطق نفوذ آنها را تحت سلطه خـــود درآورد و در همین چهارچوب ایران نیز زیر سلطه امپریالیزم امریکا قرار گرفته و به این اعتبار امپریالیزم امریکا با تجهیز و سازماندهی ارتش آنرا به مثابه عمده‌ترین عامـــل سلطه خود در جهت پیشبرد سیاستهای ضد خلقی‌اش به خدمـــت گـــرفـــت.

کمتر کسی است که نقش محوری و جنایتکارانه این ارتش ضد خلقی که امروز بنابه شرایط موجود نام "ارتش جمهـــوری اسلامی" به خود گرفته است را در سرکوب جمهوری شوروی گیلان، قیام شیخ محمد خیابانی و سرکوب خلقهای آذربایجـــان و کردستان و کودتای امریکائی ۲۸ مرداد برای ساقط کـــردن دولت ملی دکتر مصدق و سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد، سرکوب رستاخیز سیاهکل و کشتار وحشیانه ۱۷ شهریور و... را فراموش کرده باشد. همین ارتش "حاضر و آماده" جمهوری اسلامی بـــود که دیروز بنام "ارتش شاهنشاهی" و در طول سالهای دهشتنـاک دیکتاتوری پهلوی در کارخانه‌ها و روستاها و دانشگاههـــا و خیابانها و در چهارگوشه میهن تحت سلطه‌مان مانند گرگ بـــه جان خلقهای در زنجیر ما افتاده و آنها را می‌دریـــد و مبارزات عادلانه‌شان برعلیه امپریالیزم و سگان زنجیریش را به خاک و خون می‌کشید و بالاخره همین ارتش ضد خلقی بود کـه در سالهای ۵۷ - ۵۶ در طول قیام قهرمانانه خلقهـــای بپاخاسته‌مان بر علیه دیکتاتوری وابسته به امپریالیزم شاه بدنبه ماهیت سرکوبگرانه و امپریالیستی‌اش هر جا که توانست و اربابانش اجازه دادند با قصابی توده‌های بیگناه و مبارزین انقلابیمون جان بر کف نهرهای خون براه انداخت؛ و هنگامی هم که با اوج گیری جنبش توده‌ها در جریان قیام دلاورانـــه بهمن ماه "حکومت قدرقدرت" شاه یعنی همان "ژانـــدارم منطقه" ـ که دیگر حفظش در آن شرایط غیرممکن شده‌بود ـ طی یک برنامه‌ریزی حساب شده و دقیق توسط امپریالیستها بـــا حکومت جمهوری اسلامی تعویض شد براساس سیاست امپریالیزم و در جهت پیشبرد محیلانه‌ترین نسخه امپریالیستی به اصطـلاح سلاح بر زمین گذاشت و با حاکمان جدید بیعت نمود.

سیاست امپریالیستی در این دوره ایجاب می‌کرد ارتش که عمیقا آماج تهاجم مرگ‌آفرین توده‌های قهرمان ما قـرار گرفته و ضرباتی به آن وارد گشته بود ظاهر بی‌طرف به خـود گرفته و تا آنجا که ممکن است مصون از ضربه نگهداشته‌شـود تا فرصت ترمیم و بازسازی یافته و مجددا برعلیه خلقهـــا بکار رود. اگر چه امواج خروشان مبارزات توده‌ها فرصـــت دلخواه امپریالیستها را به آنها نداد و مانع از لاپوشانی چهره ارتجاعی ارتش گشت و از همان اولین روزهای پس از قیام، ارتش امپریالیستی با قساوت تمام برای سرکوب خلقهای قهـــام کننده و بپاخاسته بر علیه تداوم سلطه امپریالیسم و سگان زنجیریش در خوزستان و ترکمن صحرا و کردستان وارد عمل شده، با این حال گستردگی مبارزات توده‌های میلیونی که همچنـان در صحنه سیاسی جامعه حضور داشته و با شدت هرچه بیشتـری مبارزات ضد امپریالیستی خویش را به پیش می‌بردند و بـــا آگاهی از ماهیت "ارتش شاهنشاهی" خواهان انحلال آن بودنـد از یک طرف و ضرورت سرکوب خونین این مبارزات بنام انقلاب و اقتضای سیاست محیلانه امپریالیستی مبنی بر لاپوشانی چهره جنایتکار ارتش از افکار توده‌ها و انحراف خشم و نفـــرت توده‌ای از آن از طرف دیگر ضرورت ایجاد ارگانهای سرکوبگر دیگری را در کنار ارتش برای امپریالیستها ایجاب می‌نمود. از جمله ارگان سرکوبگری که توسط مهره‌های وابسته ارتش و به کمک آن سازماندهی گردید سپاه پاسداران ضد خلقی بود و بـــه

صفحه: ۱۶ **پیام فدائی** سال سوم
شماره: ۲۱ ـ مهر ۶۷
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

این ترتیب سپاه پاسداران به عنوان فرزند خلف ارتش در خدمت به پیشبرد مقاصد ارتجاعی و جنایتکارانه آن موجودیت یافت. واقعیتی که علیرغم پیدایش تضادهائی در روند تکاملی آن با ارتش دگرگونه نگفت و نمی‌توانست دگرگونه گردد چرا که هر دوی این ارگانهای سرکوب در خدمت به یک هدف ضد خلقی قرار داشته و از یک ماهیت برخوردار می‌باشند.

بنابراین ارتش و سپاه پاسداران را به غیر از ارگانهای سرکوبگری که برای حفظ منافع امپریالیستها در ایران سازماندهی گشته و توسط امپریالیستها در جهت واحدی به کار گرفته می‌شود و تلقی نمودن، و آنها را دو نیروی مستقل متضاد با یکدیگر پنداشتن و براین اساس سپاه پاسداران را نیروی "مختص جمهوری اسلامی" که "اتکاء اصلی رژیم" می‌باشد و ارتش را نیروی "حاضر و آماده بورژوازی" شمردن و "تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف" جزبه مفهوم کشیدن پرده ساتر برروی واقعیات و جز توهم پراکنی و اشاعه "ادعیه و اوراد" جمهوری اسلامی نمی‌باشد.

ببینیم شورای عالی در تحلیل آنچنانی خود در رابطه با مساله ادغام ارتش و سپاه در یکدیگر و بطورکلی در رابطه با فرمان فوق الذکر خمینی به کجا می‌رسد. شورای عالی مسئله تمرکز نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی را تلاقی از جانب جناح رفسنجانی برای "غلبه بر مراکز متعدد قدرت در صفوف جمهوری اسلامی" و "ایجاد ابزار حفظ تفوق خود از طریق ادغام نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و از میان برداشتن تناقضات درونی آن به مثابه بستر عمل جناحهای مختلف درون رژیم" اعلام نموده و با اینکه معتقد است که: "این تمرکز برای کلیت جمهوری اسلامی" از اهمیت بسیاری برخوردار است ولی نتیجه می‌گیرد که چون در سپاه پاسداران و کمیته‌ها "بی‌نظمی حاکم براین ارگانها و عملکرد آنها در طول نزدیک به دهسال حکومت جمهوری اسلامی امروز دیگر خود به قانون زندگی آنها تبدیل شده است" و از آنجا که: "گردانندگان این ماشین عریض و طویل [منظور سپاه پاسداران است] با منافعی که در حفظ این همه امکان عمل در تمامی عرصه‌ها دارند براحتی انحلال یا ادغام این ارگان در ارگانهای دیگر و دست اندازی بر امتیازات خود را تحمل نخواهند کرد" رژیم در تحقق این سیاست با شکست مواجه خواهد گردید در اینجا شورای عالی تلویحا می‌پذیرد که اگر قرار به انحلال یا ادغام یکی از نیروهای مسلح رژیم در دیگری باشد این سپاه پاسداران خواهد بود که باید منحل شود و یا در ارتش ادغام گردد. بنابراین منطقا وی ارتش را نیروی برتر و صاحب قدرت بیشتری تلقی می‌نماید و از آنجا که از یک طرف نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را بستر عمل جناحهای مختلف رژیم خوانده و به عبارتی دیگر معتقدیه "تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف" می‌باشد و از طرف دیگر جناح رفسنجانی را جناح مسلط حاکمیت می‌خواند براساس چنین منطقی اصولا از نظر شورای عالی ارتش باید وابسته به جناح مسلط رژیم و یا بزعم او جناح رفسنجانی بوده باشد و لاجرم سپاه پاسداران وابسته به جناح غیر مسلط (کدام جناح غیر مسلط و دلایل عینی این امر چیست؟) ولی مگر شورای عالی قبلا به ما نگفت که سپاه پاسداران نقطه اتکاء اصلی جمهوری اسلامی می‌باشد پس چگونه است که در اینجا، مطابق بسا منطقی که وی ارائه می‌دهد به یکباره نقطه اتکاء جناح مسلط رژیم، ارتش از آب در می‌آید؟ آیا شورای عالی پاسخی برای این تناقضات خویش دارد؟ و اگر نه "پاشنه آشیل" تحلیلهایش در کجا نهفته است؟ بدون شک عدم درک نقش امپریالیزم و عدم شناخت ماهیت رژیم جمهوری اسلامی اصلی‌ترین نقطه ضعفی است که باعث پیدایش چنان تناقضات و چنان تفکراتی غیرواقعی در نزد شورای عالی می‌گردد. این واقعیت در بحثی که وی در مورد امکان یا عدم امکان تمرکز نیروهای مسلح رژیم مطرح ساخته با وضوح بیشتری نمایان است.

در این مورد شورای عالی با استناد به خصوصیت "بی‌نظمی" حاکم بر سپاه و منافع "گردانندگان این ماشین عریض و طویل" طرح ادغام سپاه در ارتش را طرحی شکست خورده می‌خواند. صرفنظر از درستی یا نادرستی این حکم آنچه در این جا مطرح است دلایل شورای عالی برای ارائه آن حکم می‌باشد. آیا بی‌نظمی در سپاه و منافع خاص مزدورانی که در راس آن قرار گرفته‌اند (منافع "گردانندگان این ماشین عریض و طویل ....") در صورتیکه امپریالیستها تمرکز نیروهای مسلح و انحلال یا ادغام سپاه را در ارتش برای حفظ نظام لازم تشخیص داده باشند می‌تواند آنچنان موانع جدی ایجاد نماید که اساسا تحقق آن طرح مفروض را با شکست مواجه سازد؟ شورای عالی در حالیکه مطرح می‌کند "تمرکز برای کلیت جمهوری اسلامی" از اهمیت زیادی برخوردار است و باند رفسنجانی به‌عنوان "جناح

صفحه: ۱۷ **پیام فدائی** سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

مسلط "رژیم نیز در جهت ایجاد تمرکز مورد نظر تلاش می‌کند معهذا وقتی با تکیه بر "بی‌نظمی "حاکم در سپاه پاسداران و منافع "گردانندگان این ماشین عریض و طویل" پیشاپیش شکست آن طرح را اعلام میدارد به‌واقع به سوال فوق پاسخ مثبت می‌دهد و به این ترتیب ثابت می‌کند که از نظر شورای عالی منافع "گردانندگان "سپاه پاسداران که از نظر وی بالطبع مزدورانی غیر وابسته به امپریالیسم میباشند بالاتر از منافع کل نظام قرار دارده باطل بودن چنین تفکری آنقدر روشن است که احتیاج به توضیح زیادی ندارد ولی لازم است با یادآوری وقایع مختلف تاریخی روی این امر تاکید شود که حفظ منافع کل نظام برای گردانندگان اصلی آن همواره در راس مسائل قرار داشته و منافع خاص این یا آن ارگان ضد خلقی و این یا آن مزدور وابسته در مقابل آن هرگز اهمیتی نداشته و براحتی می‌تواند زیر پا گذاشته شود. و در این زمینه حداقل جنبش ما دارای تجربیات مفصلی است آیا وقتی منافع نظام سرمایه‌داری وابسته ایجاب کرد حتی هویدا‌ها و نصیری‌ها علیرغم ماهیت مزدوریشان اعدام نگردیدند بدون آنکه آبی از آب تکان بخورده همچنانکه در جهت حفظ آن منافع مهدی هاشمی به مرگ محکوم گردید و حکم مربوطه نیز اجرا شد؟

خلقهای ما به چشم خویش دیدند که وقتی در بستر رشد جنبش توده‌ای ه ساواک‌ها ه آماج نفرت توده‌ای قرار گرفت و در شرایطی که بر اثر اوج گیری جنبش توده‌ای و اعتلای انقلابی آن دستگاه دیگر کارائی لازم را برای سرکوب توده‌ها نداشت علیرغم "عریض و طویل" بودن دستگاه ساواک و علیرغم منافع "گردانندگان" از آنجا که منافع کل نظام حکم می‌کرد فرمان انحلال این دستگاه جهنمی صادر گردید.

کسانی که طرح تمرکز نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را به دلیل عدم ایجاب منافع "گردانندگان "سپاه پاسداران مبنی انحلال یا ادغام این ارگان در ارتش طرحی شکست خورده می‌خوانند مسئله فوق را چگونه توضیح میدهند آیا در آن زمان "گردانندگان "ساواک منافع بزرگی در حفظ آن دستگاه نداشتند؟ چرا، ولی دیدیم که وقتی شرایط حکم کرد امپریالیستها در جهت حفظ سلطه خود ساواک را که سهل است، شاه را نیز فدا نمودند همانطور که امروز نیز وقتی منافع نظام ایجاب نمود محسن رضائی با خفت و خواری به پشت تلویزیون کشیده شد و مسلما هر زمان نیز شرایط ایجاب کند و آن دلایلی که وجود سپاه پاسداران را ضروری می‌نماید منتفی گردد امپریالیستها بدون توجه به منافع بی‌ارزش "گردانندگان" سپاه پاسداران می‌توانند آنرا منحل یا در ارتش ادغام سازند به همین ترتیب باید با دیدی واقع بینانه رابطه ارتش با حکومتهای مزدور و دست نشانده امپریالیستها را بررسی نموده علیرغم تمامی ساده انگاریها و تبلیغات عوام‌فریبانه، افسار این ارتش نه در دست "بزرگ ارتش داران" و "فرمانده کل قوا "ها بلکه در دست امپریالیستها قرار دارد. ارتش ضد خلقی ایران نه "آریامهری" بود و نه "اسلامی "ضد بلکه این دستگاه سرکوب جهنمی تنها و تنها با سازماندهندگان و تغذیه کنندگان واقعی خود یعنی امپریالیستهای جهانخوار بوده و به‌عنوان مدافع و حافظ منافع استراتژیک امپریالیستها در ایران عمل می‌کند و از آنجا که تجربه تمامی کشورهای تحت سلطه و از جمله تجربه سلطه امپریالیستی در ایران نشان می‌دهد که امپریالیستها هرگز سرنوشت خود را با سرنوشت رژیمهای وابسته‌شان گره نمی‌زنند و هر زمان که منافع آنان ایجاب نماید سگهای زنجیریشان را فدا خواهند نمود و آنچه برای آنها اساسی است حفظ سلطه جابرانه‌شان می‌باشد و عملکرد ارتش به عنوان عمده‌ترین عامل بقای سلطه امپریالیستی نیز به‌روشنی نشان داده است که جز در خدمت این سیاست قرار ندارد. هم از این رو هرگونه تصوری مبنی بر اعمال سیاست خاصی از طرف رژیم وابسته به امپریالیسم خمینی نسبت به ارتش جدا از سیاست امپریالیسم تصور پوچ و مهملی است.

و لذا با "تقسیم ارگانهای سرکوب رژیم به مناطق نفوذ جناحهای مختلف" کاری که شورای عالی انجام می‌دهد نمی‌توان به توضیح تغییر و تحولات احتمالی درون این ارگانهای سرکوب پرداخت و به خصوص تا آنجا که صحبت از انحلال ارتش در میان باشد باید گفت هیچ تحولی جز انقلاب رهائیبخش خلقهای ایران قادر به انجام آن نیست و در این صورت ارتش نه اینکه با فرمانی منحل اعلام گردد بلکه در مصاف ارتش مسلح خلق با آن نابود خواهد گردید.

ادامه دارد

صفحه: ۱۸

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم
شماره ۲۱ - مهر ۶۷

"آرامش و امنیت" برای جمهوری اسلامی ،

"خودمختاری" برای حزب دمکرات

از صفحه ۳۶

دلخوش کرده بود ولی خیلی زود معلوم شد که خواست ارتجاعی "کنترل کردستان" یعنی اعمال سلطه جمهوری اسلامی بر خلق کرد و ایجاد "ثبات و امنیت" لازمه این سلطه هنوز به مثابه یک آرزو برای این رژیم جنایتکار باقی مانده است.

مسلما جمهوری اسلامی ضمن سرکوب خونین جنبش خلق کرد به دسیسه چینی برعلیه این جنبش نیز پرداخته و بخصوص کوشیده است با اقدام به ماجراهای فریبکارانه ای، نیروهای سازشکار درون این جنبش را دچار وسوسه ساخته و به دام دسیسه های ضد خلقی خود بیفکند. ولی از آنجا که این رژیم بنا به ماهیت خود جز اعمال ستم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بسط بوروکراسی منحط خویش و سرکوب ددمنشانه انقلاب پاسخ دیگری برای خلقهای ما ندارد هرگاه نیروئی بنا به توهمات سازشکارانه خویش در دام دسیسه های فریبکارانه رژیم گرفتار آمده، این امر جز رسوائی و تضعیف موقعیت آن نیرو نتیجه دیگری به بار نیاورده است در رابطه با امر سازشکاری در جنبش خلق کرد باید به این واقعیت اشاره کرد که در سالهای اخیر بعضی از نیروهای سازشکار با تعبیر و تفسیرهای نادرست از شعار "خودمختاری" و حتی تهی ساختن آن از محتوای انقلابی خود سعی در ایجاد زمینه های سازشکاری در این جنبش نموده اند. خودمختاری به مثابه شکل مشخصی از تحقق اصل حق تعیین سرنوشت خواستی است که خلق کرد در راه تامین منافع برحق خویش مطرح ساخته و به این امر بطور غریزی کاملا آگاه است که با برسرکار بودن حکومت های دیکتاتور دست یابی به خودمختاری ممکن نیست؛ ولی در سالهای اخیر از جمله نیروی سازشکاری که علیرغم این واقعیت بنا به مصالح خویش به تعبیر و تفسیر نادرست از شعار خودمختاری دست زده حزب دمکرات کردستان ایران میباشد، که اتفاقا در حالیکه ادعای رهبری جنبش خلق کرد را دارد همواره در عمل ضعف خود را در رهبری این جنبش آشکار ساخته است.

حزب دمکرات شعار استراتژیک خود را "دمکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" اعلام نموده و با اینکه خود مطرح کرده است که دو قسمت این شعار در ارتباطی ناگسستنی با هم مفهوم میابند ولی در عمل نشان داده است که با "انعطاف" پذیری کامل حاضر است در صورتی که منافع روزمره اش ایجاب نماید هم از خواست "دمکراسی برای ایران" دست بردارد و هم محتوای "خودمختاری" ادعائیش را آنقدر تقلیل دهد که به واقع جز ادعا چیزی از آن باقی نماند.

مثلا زمانیکه برق عملیات مسلحانه مجاهدین چهره رهبری حزب دمکرات را کور کرده بوده این رهبری به امید سرنگونی سریع جمهوری اسلامی با دستپاچگی تمام به شورای ملی مقاومت مجاهدین وبنی صدر پیوست و طرح خودمختاری "شورا" را به عنوان طرحی که گویا متضمن خواستهای اساسی خلق کرد میباشد بدرستیکه شناخت در این دوره حزب دمکرات با "ضد کرد" خواندن رژیم جمهوری اسلامی، مصالح خود را در عدم سازش با این رژیم میدید ولی هنگامی که این حزب امید خود را به سرنگونی سریع رژیم خمینی و حاکمیت "تنها آلترناتیو دمکراتیک" از دست داده از "شورای ملی مقاومت" روی گرداند و به سوی مذاکره با رژیم "ضد کرد" جمهوری اسلامی شتافت؛ تا علیرغم سلطه دیکتاتوری در ایران، قسمت دوم "شعار استراتژیک" خود را تحقق بخشد و با مظلوم نمائی ویژه خود ادعا نماید که بدلیل "ضعف جنبش سراسری" مجبور به اتخاذ این "تاکتیک" گردیده و با "انعطاف" تمام - که از خصوصیات بارز این رهبری است - بدنبال خودمختاری موهوم و کذائی در شرایط سلطه دیکتاتوری در ایران روان شده است. ولی با اینکه این حزب طی مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی حتی شروط جمهوری اسلامی از جمله قطع ارتباط با "شورا" و جنگ با کومله را عملا به پیش برد ولی از اقدام سازشکارانه خویش طرفی نه بست و جز بدنامی چیزی از جمهوری اسلامی نصیبش نگشت و بار دیگر معلوم شد که از

صفحه: ۱۹

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

«آخوندهای کودن» معجزه‌ای سر نخواهد زد و آنان «سیاستمداران با تجربه» را فریفته‌اند و به این ترتیب رهبری حزب دمکرات مجبور شد با سرشکستگی بار دیگر اعلام کند که در چهارچوب جمهوری اسلامی از خود مختاری خبری نخواهد بود.

درهر صورت از آنجا که حزب دمکرات بنابه ماهیت خود در این سالها همیشه چشم به بالا داشته پس از سر خوردگی از اقدامات فوق به سوی محافل و نیروهای ضدانقلابی نظیر مدنی و نزیه و غیره روی آورد و کوشید تحت پوشش ایجاد «جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی» با چنان نیروهائی که وابستگی‌شان به امپریالیسم محرز است عقد اتحاد ببندد و در این مسیر تا آنجا پیش رفت که حتی کوشید تا صدای تظلم‌خواهی خود را به گوش ریگان رئیس جمهور جنایتکار امریکا نیز برساند و او را با واقعیت‌های کردستان آشنا سازد. حزب دمکرات می‌تواند همه این اعمال سازشکارانه و کوته‌بینانه خود را به حساب اتخاذ «تاکتیک»های لازم در هر مرحله مبارزه بگذارد ولی واقعیت این است که این حزب در عمل نشان داده است که نه تنها در اتخاذ تاکتیک مهارتی ندارد بلکه هیچ درکی هم از مفهوم استراتژی و شعارهای استراتژیک نداشته و ندارد.

در هر صورت در این سالها حزب دمکرات فقدان چشم اندازهای روشن مبارزاتی و عدم پایبندی به اصول و شعارهای استراتژیک خود را بارها به اثبات رسانده است و در این مسیر از جنگ با کومه‌له و اخیرا با جناح انقعابی حزب دمکرات نیز ابائی نداشته است ولی آخرین مورد از سازشکاریهای حزب دمکرات که در ضمن مضحک‌ترین آنها نیز هست مربوط می‌شود به شیوه برخورد این حزب با مسئله هیئتی که اخیرا جمهوری اسلامی برای تهیه گزارشی از اوضاع کردستان به این منطقه اعزام نموده است.

برای کسانی که هرچند با «سیاست» آشنائی نداشته باشند ولی فقط اندکی دارای فهم سیاسی باشند، اعزام چنین هیئت‌هائی نه تعجب‌انگیز است و نه غیره منتظره. چرا که همیشه رژیمهای وابسته به امپریالیسم و اربابان آنها برای ارزیابی سیاستهای خود به اشکال گوناگون به بررسی روحیات و خواستهای مردم می‌پردازند. از این رو پرس و جوی هیئت اعزامی جمهوری اسلامی از مردم در مورد مسائل کردستان و تهیه پرسش نامه‌هائی در این زمینه قاعدتا نباید رهبری «با تجربه» سازمانی چون حزب دمکرات را دستپاچه سازد. ولی چه می‌شود کرد که حتی مبادرت به‌چنان اقدامی از طرف جمهوری اسلامی این رهبری را دچار وسوسه می‌سازد تا آنجا که وی عنان اختیار از دست داده و در گفتار رادیوئی سوم مهرماه خود اعلام می‌نماید: «ما رهبر و نماینده خلق کرد هستیم و هیچکس حق ندارد با رژیم در این مورد مذاکره کند، بجز ما» و گوئی که همین حزب نبود که پس از تجربه تلخ مذاکرات پیشینش با رژیم با سرافکندگی اعلام کرده بود در چهارچوب جمهوری اسلامی از خودمختاری خبری نخواهد بود، در ادامه گفتار رادیوئی فوق الذکر بهمرمانه تاکید می‌کند «به ما خود مختاری بدهید ما آرامش و امنیت را به کردستان باز می‌گردانیم و در بازسازی کشور همکاری خواهیم کرد.»

چه افتخار بزرگی!!! حزب دمکرات با التماس از جمهوری اسلامی می‌خواهد به او اجازه دهد تا «آرامش و امنیت» دلخواه این رژیم را به کردستان بازگرداند و تازه از این هم جلوتر رفته و خواهان شرکت «در بازسازی» ادعائی رژیم جمهوری اسلامی شده است همان بازسازی که رژیم اولویت را در آن به بازسازی نیروهای سرکوبگرش اختصاص داده. نکند حزب دمکرات قصد تبدیل شدن به زائده‌ای از ماشین سرکوب جمهوری اسلامی را دارد؟ شاید هم در این مسیر رهبری حزب دمکرات که می‌داند جمهوری اسلامی در «بازسازی» ادعائیش با کمبود بودجه مواجه است قصد دارد «مالیات»هائی که در این سالها از مردم کردستان اخذ نموده برای کمک به «امر بازسازی» در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد! خلاصه از هر زاویه‌ای این موضع به غایت ارتجاعی حزب دمکرات مورد توجه گیرد چیزی جز رسوائی در آن دیده نخواهد شد.

در هر حال لازم است به حزب دمکرات بگوئیم، اگر مفهوم برگشت «آرامش و امنیت» در قاموس رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز سرکوب اعتراضات توده‌های ستمدیده کرد و از بین بردن مبارزه سازمانهای انقلابی و پیشمرگان قهرمان کردستان نمی‌باشد، آیا سخنان شما به این معنی نیست که مرا به حساب آورید تا جنبش خلق کرد را سرکوب نموده و آرامش و امنیت دلخواه‌تان را در کردستان برقرار سازم!؟ براستی شما چگونه می‌خواهید «آرامش و امنیت» دلخواه رژیم جمهوری اسلامی را در کردستان برقرار سازید و در مبارزه توده‌های رزمنده کرد برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم

صفحه: ۲۰

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

جمهوری اسلامی اخلال ایجاد کنید؟

اگر جمهوری اسلامی با ایجاد دو تا سه هزار پایگاه سرکوبگر و تمرکز حدود دویست هزار نفر از نیروهای مسلح و مزدورش نتوانسته است در کردستان "آرامش و امنیت" دلخواه خود را ایجاد نماید شما هم مطمئن باشید که با آن حداقل امکاناتی که برایتان مانده است نخواهید توانست در عزم خلق کرد برای دستیابی به آزادی و خودمختاری خلل اساسی وارد آورید.

تازه مگر در ۴ سال اخیر شما به جای "تمرین دمکراسی" به "تمرین" جنگ برادرکشی و اعمال فشار بر نیروهای انقلابی نپرداخته اید و مگر از این کار در عمل نتیجه ای جز شکست حاصل شما شده است، پس خیالتان راحت باشد که نه جمهوری اسلامی نیروئی است که شما را آنطور که میخواهید به حساب آورد و نه شما نیروئی هستید که توانائی برقراری "آرامش و امنیت" دلخواه جمهوری اسلامی را داشته باشید. پس بهتر است بیش از این در این "کوره راه" پیش نروید که نتیجه ای جز خفت و خواری نصیبتان نخواهد شد.

اما سخنان فوق الذکر بار دیگر نشان میدهد که شعار خودمختاری در نزد حزب دمکرات آن "کارت" معجزه آسائی است که در هر شرایطی میتوان آنرا به نوعی تعبیر و تفسیر نمود که یکی از تعابیر آن همانا "خودمختاری" در شرایط سلطه جمهوری اسلامی در ایران میباشد که البته واضح است چنین پدیده ای تنها در لفظ میتواند بعنوان خودمختاری مطرح شود و مفهوم آن در عمل همانا حفظ وضع موجود خواهد بود و به این ترتیب معلوم میشود که حزب دمکرات آنقدرها هم دور نیست "شعار استراتژیک" خود را بهم پیوسته نمیداند و در شرایط مقتضی میتواند به توهم کسب یک خودمختاری کذائی، از "دمکراسی برای ایران" عجالتا چشم پوشی نماید. مگر اینکه رهبران حزب دمکرات در مورد دیکتاتوری "آخوندی" خواب نما شده و به این نتیجه رسیده باشند که در این سالها نه با دیکتاتوری بلکه با دمکراسی "آخوندی" سروکار داشته اند.

درهر حال این واقعیتی است که نیروهائی همچون حزب دمکرات در فقدان رهبری پرولتاریا در جنبش، به مثابه تنها طبقه انقلابی که توانائی حل مسئله ملی را در ایران داراست، فاقد چشم اندازهای روشن مبارزاتی بوده وبیمقتر چشم به بالا خواهند دوخت.

خودمختاری شکل مشخصی از تحقق حق تعیین سرنوشت میباشد که خود بدون محیط آزاد و شرایط دمکراتیک معنی نخواهد داشت، لذا هر نیروئی که در صدد تحقق این شعار باشد باید قبل از هرچیز برای دمکراسی مبارزه نماید ولی دمکراسی در شرایط سلطه امپریالیسم جز با نابودی این سلطه برقرار نمیگردد. براین اساس مبارزه خلق کرد برای دمکراسی در جهت تحقق حق تعیین سرنوشت خویش، به مبارزه برعلیه سلطه امپریالیسم و نابودی ماهیت دولتی وابسته کمتون فقرات آنرا ارتش امپریالیستی تشکیل میدهد تبدیل شده و جزئی جدائی ناپذیر از انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ما برعلیه نظم موجود را تشکیل میدهد و از آنجا که این انقلاب بدون رهبری پرولتاریا به سرانجام نخواهد رسید، بنابر این معلوم میشود که حل مسئله ملی در رسالت پرولتاریا، این طبقه تا به آخر انقلابی و کمونیستهائی قرار دارد که به واقع نماینده طبقه کارگر هستند. و اتفاقا مواضع و عملکرد نیروهای سازشکاری همچون حزب دمکرات در سالهای اخیر تائیدی بر این حقیقت بوده وضرورت پاسخ کمونیستی برای حل مسئله ملی در کردستان را به وضوح آشکار میسازد.

از صفحه ۴

آموزش و پرورش در ....

تبدیل نموده و با خشم و نفرت افزونتری خود را برای مبارزه با رژیم سراپا جنایت جمهوری اسلامی آماده سازید. باید بکوشید با همکاری دیگر دانش آموزان مبارز در حد امکان بطور هرچه متشکلتری به مبارزات خود برعلیه رژیم ابعاد هرچه وسیعتری بخشیده و با استفاده از تمامی شیوه های مبارزاتی برعلیه سیاستهای ضدخلقی رژیم بپاخیزید. بدون شک پیروزی از آن خلقهائی است که برعلیه سلطه امپریالیستها وسرمایه داران زالو صفت و رژیمهای مزدورشان عزم جزم کرده و به مبارزه برخاسته اند.

اطلاعیه
چریکهای فدائی خلق ایران
در رابطه با تشدید اعدام زندانیان سیاسی

خلقهای مبارز ایران !

اززمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل برای برقراری آتش بس در جنگ ایران و عراق ، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با سبعیت تمام به شکار انقلابیون پرداخته وهرروز دسته دسته از زندانیان سیاسی را تیرباران و یا وحشیانه در ملاءعام حلق آویز می‌نماید.

ازسوی‌دیگرجدا ازکشتار وحشیانه انقلابیون اسیر، رژیم ضدخلقی بسراغ تعدادبسیارزیادی‌ازانقلابیونی که طی‌دوران حکومتیشان ظرف چندسال اخیر از زندانها آزاد شده بودند ، رفته و آنان را دوباره به اسارت گرفته است . همچنین مزدوران رژیم در اکثر سیاهچالها با قطع ملاقات زندانیان سیاسی بابستگانشان به تشدیدشکنجه و آزار رزمندگان دربند پرداخته و در مقابل اعتراض خانواده های زندانیان سیاسی با وحشیگری تمام آنها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و پاسخ اعتراضشان را با اعلام خبر اعدام فرزندان انقلابیشان به آنها میدهند.

ابعاد اعدامهای اخیر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که در شهرهای مختلف و در سیاهچالهای گوناگون این رژیم صورت گرفته بقدری وسیع و گسترده است که فقط در تهران در یك روز چند صد جنازه را در گورستان بهشت زهرا به خاك سپرده اند .

خلقهای قهرمان ایران !

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در سالهای سیاه سلطه ننگین خود که جز با تکیه به سر نیزه و سرکوب ددمنشانه انقلاب ما ،امکان حیات نداشته، علیرغم تمامی جنایاتش نتوانسته است در مقاومت عادلانه خلقهای ما خللی وارد نموده و فضای رعب و وحشت و روحیه یاس و تسلیم طلبی را بر خلقهای مبارز ما حاکم سازد. کمااینکه مقاومت زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم خود جلوه ای از مقاومت قهرمانانه توده های ستمدیده ما در مقابل رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی میباشد . اعدام وسیع زندانیان سیاسی پس از عقب نشینی مفتضحانه جمهوری اسلامی از مواضع اعلام شده اش در رابطه با جنگ در واقعیت تعرض گسترده ای به انقلاب ماست. تعرضی وحشیانه ای که قبل از هرچیز قلب زندانیان سیاسی ، این جلوه های شکوهمند مقاومت خلقهای ما

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

را نشانه گرفته است. تعرض که رژیم با توسل به آن میکوشد با ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه "امنیت و آرامش" مورد نیاز اربابان امپریالیستش و سرمایه داران وابسته را فراهم سازد و به این وسیله برای انحصارات امپریالیستی پیام میفرستد که همچون دهسال اخیر حاضر است در جهت منافع آنها به هر جنایتی دست یازد و با "پاکسازی" انقلابیون برای "بازسازی" نظام گندیده سرمایه داری وابسته ایران و حرکت وسیعتر سرمایه های انحصارات امپریالیستی زمینه را مهیا سازد.

کارگران، زحمتکشان، رفقای هوادار!

در شرایطی که تعرض وحشیانه جمهوری اسلامی به انقلاب ما قلب زندانیان سیاسی را نشانه گرفته و رژیم با کشتار ددمنشانه زندانیان سیاسی وحشیانه ترین فجایع را آفریده است. وظیفه شماست که با تمام قوا برعلیه این کشتار وحشیانه بپاخیزید. باید ضمن ارتباط با خانواده های زندانیان سیاسی اعتراضات و مبارزات آنها را برعلیه جنایتهای رژیم در حق فرزندان انقلابیشان متشکل و یکپارچه ساخت. مطمئن باشید که تنها دفاع انقلابی از زندانیان دربند و رزمندگان صدیق خلق، مقاومت و مبارزه برعلیه این رژیم وابسته به امپریالیسم میباشد و همین مقاومت و مبارزه شماست که پوزه این سگ زنجیری امپریالیسم و اربابانش را به خاک خواهد مالید. با ایمان به پیروزی محتوم خلقهای ایران مبارزات خود را برای آزادی کامل زندانیان سیاسی در جهت سرنگونی رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی شدت و گسترش هرچه بیشتری بخشید.

جاودان باد خاطره همه شهدای بخون خفته خلق!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!
زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
مهـــــر ۶۷

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها

صفحه: ۲۳

پیام فدائی

سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

گفته‌ها و نکته‌ها

آنچه در زیر مشاهده میکنید نمونه هائی از یاوه سرائیهای سران مزدور رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در طول سالها تداوم جنگ امپریالیستی ایران و عراق در رابطه با ضرورت جنگ و برکات آن و سپس در یک چرخش ۱۸۰ درجه ای دررابطه باضرورت پذیرش آتش بس وبرقراری‌صلح میباشد.

اگر تا دیروز سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی در جهت اجرای سیاست اربابان امپریالیستشان بر طبل جنگ میکوبیدند و آنرا "برکت الهی" میدانستند و در تائید آن شعار میدادند امروز که مصالح امپریالیسم بر قطع جنگ حکم میراند،سران جمهوری اسلامی از ضرورت آتش بس و صلح سخن میگویند. چرخشی که براستی نشان میدهد نه تصمیم برتداوم جنگ و نه قطع آن در اراده این مزدوران نبوده و در هرصورت چه دیروز و چه امروز تنها وظیفه شعاردادن در جهت توجیه سیاستهائی است که اجرایش برعهده شان گذاشته شده است.

در گفتگو با روزنامه جمهوریت چاپ ترکیه
وزیر خارجه: جنگ تا سرنگونی صدام ادامه خواهد داشت
یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۶۲

تب جنگ درکشور ما جز به سقوط صدام فرونخواهد نشست
«امام خمینی»

این الطالب بدم المقتول بکربلا

«کجاست آن خونخواه و منتقم خون شهید کربلا»

اعزام سراسری حماسه‌سازان عاشورا

بسمه تعالی
پایان جنگ ممکن نیست ، الابه سقوط حزب بعث
«امام خمینی»

بسمه تعالی
این جوانهای ما هستند که باید این جنگ را به آخر برسانند.
«امام خمینی»

یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۶۲
۱۶۵۰ـ سال ششم

مرحلهٔ دوم
اعزام حماسه‌سازان عاشورا

در شرایطی ... قاطع جنگ را تمام کنیم

● هر کس در هر کجا گفت که میخواهیم از سقوط صدام صرفنظر بکنیم باور نکنید.برای ما الآن سقوط صدام از سقوط شاه در زمان خودش مهمتر است

در صفحه ۱۰

چهارشنبه ۳ اسفند ۱۳۶۲

حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در دیدار با وزیر سپاه پاسداران بهمراه جمعی از فرماندهان این نهاد و ارتش جمهوری اسلامی ایران

● تمایل داریم در جبهه به قضیه صدام پایان ببخشیم

جمهوری اسلامی
سه‌شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۶۲

سرهنگ صیاد شیرازی طی گفتگویی اعلام کرد:

ما آخرین ضرباتمان را به صدامیان وارد خواهیم کرد

پیام فدائی

سال سوم

شماره : ۲۱ـ مهر ۶۷

صفحه : ۲۴

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

صلح با صدام جنگیدن با اسلام است

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«امروز اگر ما عقب نشینی کنیم، اسلام را شکست دادیم.... امروز ما نمیتوانیم با اینها صلح کنیم.... اینها صلح طلب نیستند، دروغ میگویند.»

از سخنان امام خمینی ۶۲/۱۲/۱۴

* اکنون که دشمن را کنار دیوار قرار داده‌ایم و در آستانه پیروزی قرار داریم باید بیشترین فشارها را تحمل کنیم.

رفسنجانی در دنباله مصاحبه خود گفت: «نیاز امروز ما این است که افکار عمومی دنیا انقلاب ما را درک کند. در نتیجه تبلیغات نامساعدی که درباره ما شده، ما را با عنوان جنگ طلب و صفتهای دیگر مشخص کرده‌اند. اگر ما پیروز هم شده بودیم و سرزمین عراق را تصرف کرده و رژیم آن کشور را هم سرنگون ساخته بودیم، ولی افکار عمومی دنیا بخصوص در جهان مسلمان، نسبت به ما مساعد نبود، بازپیروز شناخته نمی‌شدیم. ولی امروز دنیا و بخصوص

• رئیس جمهوری اسلامی گفت «رسانه ها بما توصیه کرده‌اند که حتی همکاری آمریکا را هم در کار بازسازی رد نکنیم.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ از شورای امنیت کمک خواست

هاشمی رفسنجانی: تصمیم به قبول قطعنامه ۵۹۸ یک تصمیم تاریخی برای جمهوری اسلامی ایران است

به دنبال پیام حضرت امام اتخاذ شد

ریچارد مورفی: آمریکا در قبول آتش بس از سوی جمهوری اسلامی نقش موثر داشت

★ در مورد قبول قطعنامه که حقیقتا مساله بسیار تلخ و ناگوار برای همه وخصوصا برای من بود من تا چندروز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام‌شده درجنگ بودم، ولی به‌واسطه حوادث و عواملی و باتوجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به‌تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، باقبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم.

قبول این مساله برای من از زهر کشنده‌تر است ولی راضی به‌رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم.

نماینده مردم قم

بنابراین خدا را شکر می‌کنیم که به‌ما امامی داده‌است که در مراحل حساس تصمیم می‌گیرند.

وی سپس به برخورد خانواده شهدا با این مساله اشاره کرد و گفت: دیشب بعضی‌ها تلفنی یا حضوری تماس گرفتند و دادوقال کردند که ما خانواده‌های شهدا صبر نمی‌کنیم و چه‌می‌کنیم و... حتی بنا داشتند امروز راهپیمائی کنند البته راهپیمائی برای ادامه جنگ نه راهپیمائی برای این که مخالفت کنند.

کیهان

شنبه ۲۵ مهر ۱۳۶۶

رئیس جمهور در خطبه‌های نماز جمعه تهران

امام جمعه تهران ... سخنان خود به مسائل اخیر شورای امنیت اشاره ... گفت: ما در مورد ... فارس و جنگ تحمیلی مواضع خود را بیان کرده‌ایم و به کسانی که میشود به‌آنان دوستانه سخن گفت، تاکید می‌کنیم که تنها راه عمل و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت شناسایی عراق به‌عنوان شروع‌کننده تجاوز وتشکیل دادگاهی برای رسیدگی به کار متجاوز می‌باشد. و اگر می‌خواهند تلاش های دبیر کل سازمان ملل بجایی برسد و این قطعنامه مورد توجه قرار بگیرد راهش همین است و لاغیر.

وی افزود: مردم ما و رزمندگان ما آماده‌اند و می‌گویند اگر شما رژیم عراق را مجازات نکردید، ما با دستی واحد خود گریبان صدام را گرفته و او را مجازات خواهیم کرد.

خامنه‌ای: حضور نیروهای ایران در جبهه‌ها عراق را وادار به پذیرش قطعنامه آتش بس کرد

علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ... گذشته ۱۱ مهر (۳ اکتبر) طی نطقی ... سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل ...

* وزیر خارجه جمهوری اسلامی طی یک سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل خواستار کمک شورای امنیت به اجرای مواد قطعنامه ۵۹۸ شد و گفت عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی ایران و عراق بدون تاخیر انجام پذیرد. وزیر خارجه

پرداخت و خود نیز به آنها پاسخ داده‌اند از جمله اینکه روزنامه «رسالت» با طرح این سئوال که «خون شهدا بدون پیروزی در جنگ با صدام چه میشود؟» پاسخ داده است: «شهید کسی است که در راه خدا و در مقابله با دشمنان خدا جنگ کرده باشد و به مقام رفیع شهادت نائل شده باشد»

صفحه: ۲۵

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم
شماره: ۲۱ - مهر ۶۷

گزیده هائی از رادیو صدای چریکها

رژیم جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه، وابسته به امپریالیسم می باشد

۶۷/۷/۱۴

دوروز پیش خمینی جلاد، این سگ زنجیری امپریالیسم، یکبار دیگر به صحنه آمد و با توسل به عوامفر بیهای همیشگی خویش باز هم به سردادن شعارهای پوچ و بی‌محتوای ضدامپریالیستی پرداخت.

خمینی مزدور اینبار در رابطه با امربازسازی مناطق جنگی صحبت نمود ودر جواب به نامه سردمداران جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی یعنی خامنه ای، موسوی، رفسنجانی و موسوی اردبیلی که درباب بازسازی خرابیها و ویرانیهای ناشی از جنگ از امام جنایتکارشان کسب تکلیف نموده بودند گفت: "مسئولین نظام هرگزقبول نمی‌کنند که در راه باز سازی کشور، ایران به شرق و غرب وابسته شود" این مزدور عوامفر بیانه ادامه داد: " من تا زمانیکه زنده ام اجازه نخواهم دادکه جهت سیاستهای اصلی و واقعی ما تغییر کند"

اراجیف اخیر خمینی، هر فرد اندك آگاهی که بخصوص این روزها شاهد توسعه قراردادهای اسارتبار رژیم با امپریالیستها ودول غارتگر می‌باشد را به خنده

بقیه در صفحه ۳۰

در مورد لجن پراکنی های اخیر خامنه‌ای برعلیه کمونیست ها

۶۷/۷/۱۸

خامنه ای مزدورو رئیس جمهور رژیم درقسمتی ازسخنانش درمراسم اخیرنمازجمعه تهران کوشید تا رژیم وابسته به امپریالیزم جمهوری اسلامی را بعنوان نقطه امید و الهام برای انقلابیون کشورهای تحت سلطه جهان وبویژه کشورهائی که اکثر جمعیتشان مسلمانند وانمود نماید. وی در این رابطه همچنین مجبور به اعتراف شد که: " درگذشته هرگاه میخواستند گروههای فعال و روشنفکر و آزادیخواه یك کشوری رو مشخص کنند و نشان بدن باید میرفتند سراغ گروههائی‌که دارای گرایشهای چپ والهادی و مارکسیستی بودند. اینها بودندکه غالبا درکشورهای گوناگون ازجمله درکشورهای اسلامی فریاد آزادیخواهی میکشیدند، یا صدای اعتراض به نظم موجود را نشان میدادند " . خامنه ای بدنبال اعتراف فوق الذکر، برای تخطئه کمونیستها با تحریف واقعیات افزود :"اما از وقتی، جمهوری اسلامی تشکیل شدازگروههای با گرایش چپ دیگر خبر و اثری نیست، بروزی ندارند ".

مالزومی نمیبینیم که در

بقیه در صفحه ۳۰

نگاهی به اظهارات مدیرعامل صدا و سیمای رژیم ضد خلقی

۶۷/۷/۲

رادیورژیم ضدخلقی خبرداد که محمد هاشمی مدیر عامل مزدور صدا وسیما بمنظور افتتاح پروژه ساختمان یك ایستگاه موج کوتاه، رادیوکه قراراست دراستان کرمان شروع به کارنمایدعازم آن استان گردیده است. وی که برادر هاشمی رفسنجانی بوده وبه اعتباراعمال نفوذاوبه سرپرستی سازمان صدا و سیمای رژیم گمارده شده است در طی سفراخیربه تشریح فعالیت های این سازمان پرداخته وگفت: "ایجاد دو کانال تلویزیونی و ۲ کانال رادیوئی‌درسطح کشورو ایجاد یك شبکه موج کوتاه رادیوئی‌برای برون مرزی و یك شبکه برای خط دفاعی کشورازنظرامواج ویك شبکه FM در سالهای اخیر از مهمترین اقدامات این سازمان برای‌مقابله باتوطئه تبلیغاتی‌استکبارجهانی" بوده است.درجریان این سفرهاشمی اولین کلنگ احداث دومین ایستگاه رادیوی موج کوتاه رژیم با قدرت ۴۰۰کیلووات ودوایستگاه فرستنده موج متوسط با قدرتی معادل ۵۰۰ کیلووات رادرشهرستان سیرجان به زمین زد که براساس این طرح صدها میلیون تومان دیگرازبودجه

بقیه در صفحه ۳۱

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱ـ مهر ۶۲

وامیدارد. دست یازیدن سردمداران رژیم مزدور جمهوری اسلامی منجمله خمینی جنایتکار به چنین شیوه های کهنه شده ای برای فریب توده های آگاه میهنمان، مدتهاست که کارائی خود را از دست داده و کوس رسوایی رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی درسرسپردگی به امپریالیستها سالهاست که به صدا درآمده است. بطوریکه اینک دیگر عقب مانده ترین توده ها نیز نوای آنرا شنیده اند.

این امر دیگر برای توده های زحمتکش ما به یک عادت تبدیل شده که هر زمان سردمداران رژیم "تند و تیز" به امپریالیستها می‌تازند و باز هم شعار نه شرقی و نه غربی خود را علم میکنند، بدانند که سردمداران رژیم در همان لحظه به توطئه برای تشدید وابستگی میهن تحت سلطه مان مشغولند. چرا که رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدنش توسط امپریالیستها، همواره به سردادن شعارهای به اصطلاح ضدامپریالیستی پرداخته و بدینوسیله کوشیده با فریب توده ها ضمن مستحکمترکردن سلطه امپریالیستی به منافع کارگران و زحمتکشان یورشهای جدیدی را سازمان دهد.

اگر اینک خمینی جلاد در جوابیه خود به سردمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی، وابستگی را صرفا در محدوده "بازسازی" و ترمیم خرابیهای جنگ خلاصه میکند، این ترفند دیگری است که وی قصد دارد با توسل به آن در مقابل توده ها به گم کردن سرکلاف بپردازد و تمامی اعمال و قراردادهای استعماری تاکنونی رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیستها که بنابه منافع آنها صورت پذیرفته است را نه تشدیدوابستگی بلکه وقیحانه عین استقلال بنامد.

بواقع وابستگی جامعه ما به امپریالیستها در دوره رژیم جمهوری اسلامی بحدی افزایش یافته واین رژیم باچنان بندهای قوی‌ای به امپریالیسم وابسته است که تنها مزدوران وقیح و دروغپرداز رژیم میتوانند با عوض کردن دو واژه وابسته و استقلال با یکدیگر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را یکی از مستقل ترین رژیمهای جهان بدانند! خمینی جنایتکار در سخنان اخیرش سعی نمود بحث را چنان سمت و سو دهد که گویا رژیم مزدور طی دهسال حاکمیت ننگینش وابسته نبوده و تازه که امر بازسازی طرح شده ممکنست سیاستهائی اتخاذ شود که منجر به وابستگی رژیم به امپریالیستها گردد، در صورتیکه این رژیم سرسپرده از بدو بقدرت رسیدنش همواره در جهت بازسازی نظام سرمایه داری وابسته ایران کوشیده و برای حفظ این نظام که از سلف خود، رژیم شاه خائن به امانت گرفته و در کوچکترین جزء آن، عنصر وابستگی نهفته خدمات بی‌شائبه ای انجام داده است.

این امر آنقدر بدیهیست که حتی در برخی از روزنامه های خودرژیم مزدور نیز گاه انعکاس یافته است که میتوان برای مثال به روزنامه کیهان اشاره نمود. این روزنامه جیره خوار درمرداد ماه در مقاله ای تحت عنوان "درباره سرمایه گذاری خارجی در ایران" درارتباط باوابستگی اقتصاد جامعه مان به امپریالیستها نوشت: "حال تکلیف ما چیست؟ با این چند کاریکاتورسازی صنعت، یک صنعت نفت که تماما وابسته است و همینطور گاز و همینطور پتروشیمی و همینطور مس و حتی همینطور ذغال سنگ".

گذشته ازدلائل درج مقاله مزبوردر کیهان، مطالب گفته شده در آن اعتراف آشکاری است که نشان میدهد، سراپای نظام اقتصادی میهنمان به امپریالیستها وابسته است واین اعتراف که بعد از دهسال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بر میهنمان بیان میشود، اوج وقاحت و بیشرمی مزدورانی همچون خمینی را نشان میدهد که عوامفریبانه بطور مضحک و خنده آور ادعای استقلال و "خودگردانی" داشته ودرحالیکه از زمان بقدرت رسیدنش ادامه دهنده خدمات رژیم شاه مزدور به منافع امپریالیستها بوده از عدم وابستگی خود و حتی از مقابله و مبارزه اش با امپریالیستها دم میزند. بواقع رژیمی که همانند سلف تاجدارش نفت را به تاراج میدهد، رژیمی که همچون رژیم شاه خائن تمامی ذخائر کشور را در اختیارامپریالیستها ودول غارتگر

صفحه: ۲۷

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

قرارمیدهدچه تفاوتی‌با وابستگان سابق می‌توان داشته باشد. اگرشاه مزدور دروازه های بازارهای داخلی را به روی کالاهای امپریالیستها می‌گشودسردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی نیز در این دهسال تا آنجا که بحران نظام سرمایه داری وابسته اجازه میداده است این وظیفه را بخوبی پیش برده اند و اخیرا در این رابطه حتی از زبان آهنی مزدور دیپلمات رژیم در پاریس فریاد هیستریك سر دادند که بازار ۵۰ میلیونی ایران ، بازار خوبی برای کالاهای امپریالیسم فرانسه میباشد. ویااگر شاه جلادبه خرید سلاح و مهمات از کشورهای امپریالیستی میپرداخت ،رژیم جمهوری‌اسلامی نیز همان سیاست را، پیش برده و با امپریالیستها و منجمله امریکا با همان شیطان بزرگ مورد ادعائی جمهوری اسلامی قرار دادهای چندین میلیارددلاری منعقد ساخته و اگر رژیم مزدور شاه به استثمار کارگران و زحمتکشان میپرداخت ، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نیز هر روزه به شدت استثمار کارگران می‌افزاید وزحمتکشان را به کار بیشتر ومزد کمتر مجبور میسازد. و خلاصه اگر رژیم شاه خائن برای تحکیم حاکمیت وابسته اش به کشتارتوده های معترض،انقلابیون و بخصوص کمونیستها میپرداخت ، رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی نیز در اینراه از هیچ جنایتی رویگردان نبوده و در این رابطه روی سلف تاجدارش را نیز سفید کرده است در نتیجه دریك کلام تا سلطه امپریالیسم در ایران برقراراست مگر میتوان ازاستقلال سخن گفت واین یك امر بدیهی است که ضرورت بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی توسط امپریالیستها بدلیل شرایط مبارزه طبقاتی‌درآن سالها درست برای تداوم چنین سیاستهای امپریالیستی بوده است . یعنی حفظ نظام سرمایه داری وابسته ، بازسازی و به حرکت درآوردن تمامی چرخهای تولیدی آن باتوجه به بحران اقتصادی حاکم بر نظام وبه تاراج دادن دارائی‌های کشور در جهت تامین هرچه بیشتر منافع امپریالیستها و همچنین سرکوب و کشتار توده های به جان آمده و انقلابیون جان برکف.

واقعیت این است که وظیفه اساسی‌رژیم جمهوری اسلامی همواره حفظ وحراست ازسلطه امپریالیستی و این نظام استثمارگرانه یعنی سرمایه داری وابسته بوده و میباشد.

عقدقراردادهای اسارتبار با شرکتها و کمپانی های امپریالیستی از همان فردای ۲۲بهمن از جمله انعقاد قراردادهای اسارتبار با شرکت امپریالیستی تالبوت انگلستان و قرارداد طرح نیمه کاره پروژه پتروشیمی بندر شاهپور، خود بروشنی چهره کریه و وابسته جمهوری‌اسلامی رابه امپریالیستها نشان میدهدوتازه در رابطه فوق این واقعیت راهم باید اضافه نمودکه سردمداران مزدور جمهوری اسلامی اگرچه درشعار نوکری رژیم شاه را به امپریالیستها محکوم میکردند ولی پس از روی کار آمدن خودشان حداکثر کوشش را نمودند تا قراردادهای اسارتبار سابق با امپریالیستها نه تنها لغو نگردد بلکه گسترش یابد امری که جنبش توده ها و آگاهی ونفرتشان ازامپریالیستها آنها را محدود میساخت نه خواست خودشان .

درهرصورت از همان فردای بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی این رژیم در عمل قراردادهای مقامات ضدخلقی رژیم شاه را با امپریالیستها محترم شمرده و آنرا تداوم داد. بعنوان مثال میتوان ازقراردادا‌حداث کارخانه پتروشیمی بندرشاهپور نام بردکه توسط رژیم شاه خائن با امپریالیسم ژاپن بسته شده بودو جمهوری اسلامی نیز در جهت راه اندازی این کارخانه ، امپریالیستهای ژاپن را فرامی‌خواند تاازخوان یغمائی که این رژیم وابسته گسترانیده نشخوار نمائید.

زحمتکشان آگاه ما دیگر به اعتبار دهسال عملکرد این رژیم هیچگونه توهمی نسبت به اراجیف سردمداران رژیم در رابطه با عدم وابستگی به امپریالیستها نداشته و ندارند. چرا که شواهد و دلائل این امر آنقدر عینی و واقعی است که حتی برخی از سردمداران رژیم برای عوامفریبی و در جهت کنترل

صفحه: ۲۸

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

و مهار مبارزات ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکشان میهنمان و فراخواندن توده ها به صبر و متانت در مقابل تشدید استثمار و وابستگی و تحمل شرایط ظالمانه تحت حاکمیت رژیم خمینی مجبور گشته اند به آن اعتراف نمایند.

درهمین رابطه بهزادنبوی طی سخنرانی که دو سال پیش در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران انجام داد عاجزانه به وابستگی اقتصادی رژیم به امپریالیستها اعتراف نمودوگفت:"درهیچ زمینه ومحصولی‌نمیتوان گفت صددرصد عدم وابستگی کشاورزی وجود دارد، صنعت هم که ذاتا وابسته است، تاجر جنسش را باید از خارج بیاورد و خلاصه ما از گذشته اقتصاد وابسته ای را داشته ایم و این امانت را حفظ کرده ایم" (بهزادنبوی دهم دیماه ۶۵)

این مزدور در ابراز سخنان فوق، گذشته از اینکه قصد دارد نقش خود و همپالگیهایش را در حفظ و حراست در این نظام وابسته و بقول خودش، امانت به ارث رسیده ازشاه را لاپوشانی کند، بخشا به واقعیت وابستگی سرمایه داری حاکم برمیهنمان به امپریالیستها اعتراف مینماید. ضمنا باید در نظر داشت که این سخنان در شرایطی بیان شده است که جمهوری اسلامی در تداوم جنگ امپریالیستی‌ایران وعراق همواره با اربابان امپریالیستش به بستن قراردادهای اسارتبار خرید سلاح میپرداخت و هرچه بیشتر بر دامنه این وابستگی میافزود. از عقد قراردادهای تسلیحاتی با دولت هلند و ایتالیا گرفته تا خرید سلاح از فرشته رحمت جمهوری اسلامی یعنی امریکای جنایتکار. تازه اگر به این قراردادها، خرید کالاهای غیر تسلیحاتی رژیم ازامپریالیستهارا نیز بیفزائیم ماهیت سراپاوابسته جمهوری‌اسلامی هرچه بیشتر آشکار می‌گردد. از خرید کالاهای امپریالیسم فرانسه گرفته تا عقد قرارداد با امپریالیسم آلمان، امپریالیسمی که هم اینک ۶۵٪ واردات جمهوری اسلامی را تامین مینماید و با قراردادهای اخیر کارخانه ایران خود رو با شرکت تالبوت انگلستان و مذاکره برای کشیدن خط لوله نفت به ترکیه امری که قرارداد ۴ میلیارددلاری رژیم با شرکتهای امپریالیستی را بهمراه دارد و با خرید گندم و برنج از امریکا و پاکستان و قرارداد ۵۰۰ میلیون دلاری رژیم با شرکت امریکائی بکتل در رابطه با احداث کارخانه پتروشیمی‌دراراک، احداث یك نیروگاه گازی ۱۰ مگاواتی توسط شرکتهای سوئدی و خرید ماشین آلات صنعتی از امپریالیسم ژاپن و دهها نمونه دیگر نشانگر این واقعیت است که نه تنها وابستگی ایران به امپریالیستها از گذشته کمتر نشده بلکه هر روز بیش از پیش بر وابستگیش افزوده میگردد و رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در این راه از تاراج دارائیهای میهنمان هیچگونه ابائی نداشته و ندارد.

در چنین شرایطی است که امپریالیستهای ژاپن از گسترش هر چه بیشتر روابط با جمهوری اسلامی سخن به زبان می‌آورد و مقامات انگلستان در وزارت بازرگانی و صنایع این کشور، شرکتهای انگلیسی را تشویق به عقد قرارداد با جمهوری اسلامی می‌کنند وفرانسه به شرکتهای خود دادو ستد با جمهوری اسلامی را یاد آوری می‌نماید. و بالاخره ایران گیت ها و ملاقات مقامات شیطان بزرگ با رفسنجانی ها و خامنه ای ها رو میشود.

دراین سالها امپریالیستها از برکت سگ زنجیریشان در ایران با به به و چه چه زدنهای بسیار دارائیهای میهنمان را به یغما برده و میبرند و درچنین اوضاعی وزیرکشورمزدوررژیم،محتشمی‌فریاد برمی‌آورد که هیچ کشوری در جهان به اندازه ایران البته برای سرمایه های امپریالیستی امنیت ندارد و امپریالیستها را به گسترش سرمایه گذاریهایشان در میهن تحت سلطه مان فرامیخواند، درست بگونه ای که شاه روزی با اطلاق نام جزیره ثبات و امنیت به ایران چنان دعوتی را ازامپریالیستهای‌غارتگربعمل می‌آورد وازوجودنیروی کار ارزان درایران به آنها بشارت میداد.

مفهوم تمامی سخنان سردمداران جنایتکارجمهوری‌اسلامی چیزی جز آماده کردن زمینه های

صفحه: ۲۹

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

هرچه بیشتری برای استثمار کارگران و زحمتکشان میهن ما نبوده و نیست وبراین اساس است که سردمداران مزدوررژیم همواره توده های زحمتکش مارا به صبرو متانت درمقابل استثمار وحشیانه نظام سرمایه داری وابسته دعوت میکنند و از جمله اردبیلی جنایتکار به زحمتکشان مامی‌گوید بیشتر کارکنید وکمترمزد بگیرید وکمتر توقع داشته باشید تا ما هرچه بیشتر بتوانیم با استثمار شما کارگران و زحمتکشان به زراندوزی بپردازیم و جیب اربابانمان را بیشتر پرکنیم.

آنگاه خمینی جلاد باآگاهی کامل بر تمامی این واقعیت ها باز خود را به کوچه علی چپ میزند و در جوابیه خود به سردمداران جنایتکار رژیم از عدم وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیستها سخن میگوید و در عین حال میگوید:" با قبول و اجرای صلح این تصور نشود که ما از تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی‌نیاز شویم بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیه بازسازی است" و بدینوسیله به سردمداران مزدور حالی میکند که میبایست همچنان به خرید ساز و برگ نظامی از کشورهای‌امپریالیستی ادامه دهند و ارتش امپریالیستی ایران را هرچه بیشتر تجهیزنمایند براستی که این شارلاتان بازیهاتنهاخاص سگهای‌زنجیری امپریالیسم منجمله خمینی مزدور میباشد.

آنچه در ورای تمامی سخنان فوق الذکر تعقیب میشود، این واقعیت است که آنها بازهم میخواهند بار بزرگ اقتصاد بحران زده خویش را برگرده زحمتکشان ماسرشکن نمایند چه در آن زمانی که تمامی این نابسامانیهای جامعه رابه حکومت شاه خائن ارجاع میدهند و چه آنزمانی که شرایط جنگی رابهانه میکردندو بارهزینه های جنگی را بردوش زحمتکشان سرشکن میکردند و چه حالا که بازسازی بعداز جنگ مطرح است. در واقع آنها همواره این سیاست ضدخلقی را دنبال میکنند. بی‌دلیل نیست که خمینی جنایتکارچندی پیش طی ملاقات با عده ای از مزدورانش گفت هزینه های سرسام آور بازسازی و ترمیم خرابیهای جنگ هشت ساله ایران و عراق رابا کمك توده ها تامین کنندومردم بایددولت رادر این زمینه همراهی کنند.

توده های زحمتکش ما باید باشناخت این واقعیات و مقابله باچنین شیوه هائی، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را در رسیدن به این اهداف ضدمردمیش باشکست روبرو سازند. و بدانند که این قانون تمامی جوامع طبقاتی منجمله نظام سرمایه داری وابسته ایران است که با مکیدن خون رنجبران و ستمدیدگان به زندگی زالوارخود ادامه میدهند.

نظام سرمایه داری وابسته ایران و رژیم حافظ آن جمهوری اسلامی تامین کنندگان منافع امپریالیستهادرکشورمان میباشند و تازمانیکه این نظام و رژیم جمهوری‌اسلامی درمیهنمان مستقرند فقر و گرسنگی برجامعه مان حاکم است و تازمانیکه این مناسبات استثمارگرانه بر جامعه مان حکمفرماست هر دم به بیکاری و بدبختی زحمتکشان میافزاید و تا زمانیکه نظام سرمایه داری وابسته حاکم است،جنگ و کشتار و آوارگی و دربدری، سرکوب و اختناق پابرجاست و تا زمانیکه شما کارگران مبارز در اتحاد با دیگر اقشار زحمتکش شهر وروستا برعلیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بعنوان حافظ این نظام فقر و فلاکت بپانخیزید و مبارزاتتان را گسترش ندهید این رژیم ددمنش هر دم به سرکوب واستثمار شما میافزاید.

بنابراین پایان دادن به تمامی این مصائب در گرو نابودی نظام سرمایه داری وابسته و رژیم حامی آن یعنی جمهوری‌اسلامی است و نابودی نظام استثمارگر و رژیم حافظ آن فقط در جریان یك جنگ توده ای و طولانی میسر است

مرگ بر جنگ امپریالیستی برقرار باد صلحی دمکراتیك

صفحه: ۳۰

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

که باید با شرکت فعـــال شما کارگران به پیش رود و به کسب قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان در میهنمان بیانجامد. رهبری طبقه کارگرضامن پیروزیوبه سرانجام رسیدن انقلاب رهائیبخش خلقهایماست و جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر زمینه ای است براینابودی تمامیمظالم سرمایه داری وابسته و نیل به سوسیالیسم . بدون شك این روز دیر نیست و در مبارزه خلقهای قهـــرمـــان برعلیه امپریالیسم و ســگ زنجیریش جمهوری اسلامـــی پیروزی از آن خلقهاست ،پس با تمامی توان و نیـــروی خویش در راه براندازی حاکمیت امپریالیسم درمیهنمان و برقراری جمهوری دمکراتیك خلـق برهبری طبقه کارگر به پیش .

• ✱ •

در مورد لجن پراکنی های اخیر خامنه‌ای برعلیه کمونیست ها

ازصفحه ۲۵

این مختصر ، پرونده سراسر سیاه و جنایت رژیم جمهوری اسلامی را بررسیکنیم ونشان دهیم که چگونه سردمداران رژیـم علیرغم همـه جنایاتشان فریبکارانه میکوشند چه در داخل کشور و چه در ورای مرزهایمیهنمان،خودرانقطه اتکاء خلقهای تحت ستم وپرچمدارمبارزه آنان بر علیـه امپریالیستها و رویزیونیستها معرفی نمایند،چرا که توده هایتحت ستم مابخوبی به پوشالـی بـودن ادعاهای جناب خامنه ای پـی برده و پوچ بودن ادعاهای میان تهـی رژیم جمهوری اسلامی را در باصطلاح مبارزه بـا استکبارجهانیبخوبیدرك کرده اند.

اما باید تاکید کنیم که هـم اکنون نیز برخلاف ادعـای خامنه ای مزدوردرتمامی کشورهای جهان و از جمله در کشورهای تحت سلطـه پرچمدار مبـارزه قاطـع انقلابـی برعلیـه نظم ظالمانه سرمایه داری و امپریالیستـی ، همانـا انقلابیونی کمونیست بـه عنوان بخش پیشتاز طبقه کارگـر میباشندکه بدون استثنادرهمه جا هـــدف سبعانه تریـن حمـلات ددمنشانه عاملان و حافظان سلطه سرمایه ونظام استثمارگر ناشیاز این سلطه میباشند .

واقعیت این است کـه در ادوار مختلف تاریخی،همیشه این ستمگران و صاحبان ثروت و قـدرت بوده اند که از اعتقادات مذهبی و خرافی توده های ناآگاه بـرای تحقق اهداف کثیف خودیعنیسوار شدن بر گـرده آنهـا استفـاده کرده اند و در مقطع کنونـی نیز امپریالیستهای غارتگرو مزدوران آنان از ایـن ابـزار در نقاط مختلف جهان بـه اشکال گوناگون استفاده مینمایند .

امپریالیستهـــا و سرمایه داران وابسته بـه آنان برای مبارزه بـا سرسخت تـرین دشمنـــان نظـم ستمگرانـه سرمایه داری یعنی کمونیستها نه تنها آنان را به وحشیانه تـرین شکل ممکن مورد شکنجه قرار داده و بـه جوخه های اعدام میسپرند، بلکه درعرصه سیاسیواجتماعی نیز تلاش میکنند تا با قـرار دادن چشم اندازهایکاذب ودروغین،افکار توده هاراز اندیشه های انقلابی مارکسیستـی دور سازند . دشمنان طبقاتیخلقهاچه ازطریق علم کردن جریانات دست سازخودو چه ازطریق تقویت و بـه اصطلاح باد کـردن آلترناتیوهای گوناگون که اساسا خواهان درهم ریختن نظم سرمایـه نیستند ودر بهترین حالت خواهان اصطلاحاتی برای آنند سعی در حفظ و بقـای هـرچه بیشتر این نظم ظالمانه رادارند.در همین راستا امروزه و یا دست کم دردهه اخیر امپریالیستهای غارتگر که اساسا حیـات زالووار خویش را مدیون چپاول واستثمارکشورهاو ملل تحت ستـم میباشند ، آلترناتیوهای مذهبی رادرخدمت مقاصدشوم خویش بکار گرفته وجلوس خمینی مرتجع بر اریکه قدرت خود نمونه ای از این سیاست امپریالیستی است.

استفاده فریبکارانـه امپریالیستهااز اعتقادات مذهبی توده هـا تنها بـه کشور ما ختم نمیگردد، بلکه ما شاهدیم که در

صفحه: ۳۱

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۲

بسیاری از کشورهای تحت سلطه از امریکای لاتین گرفته تا افریقا و آسیا، مزدوران و قوای حافظ نظم امپریالیستی در کنار سرکوب وحشیانه کمونیستها، احزاب و دستجات مرتجع و مزدوری راکه در کسوت مسیحیت، اسلام، بودائی وغیره در خدمت این نظام منحط میباشند را ساخته و برپانموده اند. برای نمونه میتوان از اشك ریختنهای ریاکارانه پاپ ژان پل دوم برای ملتهای گرسنه افریقا و سفرهای تبلیغاتیش در این زمینه را در نظر گرفت ویا از ژستهای دروغین آزادیخواهی کشیش دزمون توتودر افریقای جنوبی و یا بیانیه های کذائی خمینی مزدورو جنایتکاردر مورد تصویر نمودن چشم اندازهای کاذب رهائی‌ازشرباصطلاح مستکبرین و اقداماتی را که در این راستا انجام میدهند.

همچنانکه فوقا اشاره نمودیم، خامنه ای فریبکارانه مدعی‌شده است ازهنگامیکه جمهوری اسلامی تشکیل شده از گروههای با گرایش چپ دیگر خبر واثری نیست اما اگراین ادعا واقعیت داردپس براستی وجود هزاران زندانی قهرمان و کمونیستی که در سیاهچالهای قرون وسطائی رژیم و برروی‌تختهای شکنجه مقاومت کرده و میکنند نشاندهنده چیست؟ آیا بروشنی نمیتوان از اعترافات خامنه ای در مورد کمونیستها و وجود هزاران زندانی و اعدامی کمونیست و تداوم مبارزه و راه آنان به سادگی نتیجه گرفت که بواقع کمونیستهایعنی پیشروترین مبارزین انقلابی ای که برعلیه نظم امپریالیستی موجود مبارزه میکنند هستند که اینچنین آماج حملات تبلیغاتی‌وسرکوبگرانه اخیر مزدوران امپریالیسم در میهنمان قرارگرفته اند؟ وآیاوجود هزاران زندانی کمونیست در سیاهچالهای جمهوری اسلامی واعدام هزاران تن دیگرازآنان که هم اکنون نیز با شدت هرچه بیشتر ادامه میابد برملا کننده چهره جنایتکار رژیم ودروغهای رسوای خامنه ای مزدور مبنی بر"بروز نداشتن"کمونیستها درامرمبارزه انقلابی نیست؟ وآیا دیگر لزومی هست که از مبارزه کمونیستها در دیگر کشورها مثال بیاوریم.

واقعیت این است شکاف و صف آرائی بین کمونیسم از یکسو وامپریالیسم ازسوی‌دیگرچنان حاد وبرجسته است که سرمایه داران جهانخوار برای حفظ نظام گندیده شان قبل از هرچیز با تمام توان برعلیه کمونیسم و کمونیستها توطئه چینی میکنند. آنها امروز برای کوبیدن طبقه کارگر و نمایندگان فکری آنها بیش از گذشته با تمسك به مذهب به علم کردن آلترناتیوهای‌مذهبی دست سازخودمی‌پردازند. امامبارزه کمونیستها نه تنها تداوم یافته و "بروز"دارد بلکه خود انعکاسی است ازپیگیری‌وسرسختی پرولتاریا این طبقه تا به آخر انقلابی که رسالت نابودی نظام سرمایه داری را برعهده دارد، امری که با روشنی وبرجستگی‌تمام باعث تمسك امپریالیسم به ارتجاعی ترین شیوه ها از جمله روی آوری آن به مذهب جهت مقابله با کمونیسم گردیده و بازهم خواهد گردید.

نگاهی به اظهارات مدیرعامل صدا و سیمای رژیم ضد خلقی

ازصفحه۲۵

کشور صرف برپائی و تقویت بلندگوهای درغیردازرژیم ضدخلقی خواهد شد.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی درحالی مبادرت به برپائی یك ایستگاه رادیوئی پرقدرت در استان محروم کرمان میکندکه صدهاهزارتن ازتوده های زحمتکش این منطقه زیر بار فقر وبیکاری وشیوع اعتیاددربدترین شرایط بسر برده و جانشان به لب رسیده است ودرصدهاروستای این استان از ابتدائی ترین خدمات بهداشتی و درمانی و آموزشی و غیره نیزخبری نیست، رژیم بنابه ماهیت ضدمردمیش به جای تخصیص بودجه کشوردرجهت نیازهای فوری ومبرم توده ها هرآنچه را هم که به دیگ ماشین جنگ و سرکوبش

صفحه: ۳۲

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

تریخته است صرف تقویت دستگاه دروغپرداز تبلیغاتی خود میکند. با این حال هاشمی مزدور از عدم توجه کافی وزارت برنامه وبودجه وکمیسیون تخصیص ارزرژیم لب به شکوه و شکایت گشوده و مدعی است که این ارگانها در بعضی موارد بودجه تصویب شده برای سازمان صداوسیمارا به یك دوازدهم و حتی صفر کاهش میدهند. و به این طریق هاشمی صدای اعتراض خود را از اینکه با دست بازتری نمیتواند به چپاول دلخواهش بپردازد را آشکار مینماید.

درهر صورت نق زدن هاشمی بیانگربحران اقتصادی گریبانگیر رژیم و هرج و مرج در برنامه ریزی های آن بوده ونشان میدهدکه چگونه رژیم در شرایط افلاس وورشکستگی ناتوان از تامین بودجه های مصوبه خودش همه چیز را صرف ماشین جنگ و سرکوب خود مینماید.

و از سوی دیگر در همین شرایط نیز دست از تقویت دستگاه تبلیغاتی خود برنداشته و سرمایه های هنگفتی را که حاصل عرق جبین کارگران و زحمتکشان میهنمان بوده ویاازطریق حراج منافع نفتی کشور بدست میآید را صرف گسترش دامنه فعالیتهای عوامفریبانه وارتجاعیدستگاههای تبلیغاتی خود مینماید.تبلیغاتی که از طریق صداوسیما هماهنگ با فعالیتهای سرکوبگرانه سگان زنجیری امپریالیزم را در جهت تطهیرچهره این تزدوران و تحمیق توده ها صورت میگیرد.

اما بد نیست اشاره کنیم که منظور هاشمی سرپرست سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی از ایجاد یك شبکه برای خط دفاعی کشورازنظر امواج هنانا برپائی چندین ایستگاه فرستنده پرقدرت پارازیت بوده که اساسا برای ممانعت و اخلال در پخش فرستنده های رادیوئی مترقی و انقلابی میباشد. رژیم با صرف صدها میلیون تومان از منافع مالیکشوراین دستگاههای پارازیت رابرپاکرده و هر روزه برتعداد آنها میافزاید تا بدینوسیله از رسیدن صدای سازمانهای سیاسی به مردم جلوگیری نماید. امری که خود بیان کننده برد تبلیغی و آگاهگرانه فعالیتهای این رادیوها در میان کارگران و اقشار زحمتکش جامعه میباشد. رادیوهائی که بعنوان یکی از وسائل تبلیغات مبارزاتی نقش قابل توجهی در افشای سیاستها و عملکردهای ارتجاعی وسرکوبگرانه رژیم ضدخلقی و رساندن صدای انقلابیون به توده ها داشته است.

اطلاعیه شماره ۲

از طرف جمعی ازپناهندگان ایرانی (ترکیه) به کمیسرهای عالی سازمان

با آغاز جنگ امپریالیستی ایران و عراق که اساسا در چهارچوب مصالح جهانی و منطقه ای امپریالیسم سازمان یافته است و برهمین دلیل تاکنون تداوم داشته است، بدینوسیله رژیم مزدور خمینی فرصت یافته تا به بهانه این جنگ که جز کشتار جوانان و ویرانی و فلاکت اقتصادی حاصلی برای توده ها دربرنداشته سرکوب انقلاب و انقلابیون را با سرعت هرچه بیشتری دنبال نماید.

آری، رژیم که برای سرکوب خلقهای قهرمان ایران به هروسیله ای متوسل گردیده و حتی مجبور شده است که جنایتش را

پیام فدائی
ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
سال سوم
شماره: ۲۱- مهر ۶۷

بنمایش بگذارد تاشاید با ایجاد رعب و وحشت در دل توده ها چند صباحی بیشتر به زندگی ننگین خود ادامه دهد .

در چنین شرایطی ما شاهد خروج هزاران مبارز از سازمانها و توده های میهنمان از ایران هستیم . که بخاطر نجات جان خود از جهنمی که رژیم خمینی بوجود آورده است . مجبور به ترك خانه و کاشانه خود شده و به کشورهای پاکستان و ترکیه آمده و به دفاتر سازمان ملل این کشورها جهت گرفتن کمك و یاری مراجعه میکنند. و در این رابطه UN های پاکستان و ترکیه هیچگونه اقدام جدی برای خارج ساختن این پناهندگان به عمل نمی‌آورند و هستند پناهندگانی که بعداز ماهها بازجوئی و محاکمه هنوز بلاتکلیف در این کشورها بسر میبرند .

ما پناهندگان باید متذکر شویم که در UN آنکارا با اقداماتی غیرانسانی و رفتار ناشایسته از سوی مقامات و ماموران حفاظتی با پناهندگان ایرانی مواجه هستیم . در این رابطه مشخصا مسئول دوم UN آقای استیفان و یکی از کمیسران آن سازمان آقای کوشه تل که قاعدتا باید وظیفه کمك و یاری رساندن و رفع مشکلات پناهندگان گامهای جدی بردارند . متاسفانه با نشان دادن رفتاری که در فوق متذکر شدیم . خصومت خود را نسبت به پناهندگان عملا و علنا ابراز نموده و حتی آقای استیفان با خوردن مشروبات الکلی بیش ازاندازه درساعات کاراداری به توهین و فحاشی و برخوردهای فیزیکی در مقابل دفاتر UN نسبت به پناهندگان اقدام میکند . بدینوسیله ما از تمام کمیسرهای سازمان ملل متحد ، بخصوص از مسئول UN آنکارا خواهان رسیدگی و پیگیری رفتار آقای استیفان که سمت معاونت مسئول سازمان همچنین آقای کوشه تل را هرچه سریعتر هستیم .

جمعی از پناهندگان ایرانی در ترکیه
۹ - ۶ - ۱۹۸۸

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

صفحه: ۳۴

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

مهاباد

*- به علت مقاومت مشمولین شهر مهاباد و عدم توجه آنان به تهدیدات جمهوری اسلامی که خواهان معرفی هر چه سریعتر مشمولین گشته بود، رژیم اخیرا با گستراندن تورهای شکاربه دستگیری وسیع جوانان در سطح شهر مبادرت نموده است.

بوکان

*- علیرغم تبلیغات فریبکارانه جمهوری اسلامی مبنی‌براینکه ازدانش آموزان شهریه گرفته نمیشود ، اداره آموزش و پرورش بوکان اعلام نمودکه باآغازسال تحصیلی جدیدحدود دو میلیون و ۲۰۰ هزارتومان از دانش آموزان اخذ کرده است .

سقز

*-در حالیکه دستمزد ماهانه کارگران شهرداری شهر سقز حدود ۲۷۰۰ تومان می‌باشد بااین حال شهردارمزدور این شهر اعلام کرده است که حقوق کارگران شهرداری را کاهش خواهد داد.

*- شهردارمزدورسقزتحت عنوان "بازسازی" به تعمیرچندین ساختمان دولتی پرداخته وبه این بهانه ازتوزیع مصالح موردنیازمردم در سطح شهر جلوگیری نموده است.

پیرانشهر

*- بامداد اامهرماه مزدوران سپاه مستقر درپایگاه سرگروه پیرانشهر بـــه روستای قروکه دولتو رفته و به بهانه اینکه اهالی ،تحت پوشش دامداری به پیشمرگان یاری می‌رسانند. مناطقی را که روستائیان دامهای خود را برای چرا به آنجا می‌بردند را هدف رگبار قرار میدهند که براثر این اقدام وحشیانه زنی بنام خاتون،جان را خود را از دست میدهد.

مریوان

*- کارگران شهرداری مریوان در اعتراض به عقب افتادن حقوق ماههای اردیبهشت ، خرداد و تیر خود در ۵ مرداد ماه در مقابل شهرداری این شهر مبادرت به یك تجمع اعتراضی نمودند. شهردار مزدور مریوان در ابتدا باوعده و وعید کوشش کرد کارگران را فریب دهد ولی وقتیکه کارگران برای احقاق حقوق عقب افتاده شان پافشاری نمودند پاسداران را برای متفرق کردن کارگران فراخواند.ولی‌علیرغم همه این تشبثات بعلت مقاومت کارگران مجبوربه پرداخت حقوق عقب افتاده آنها گردید.

سردشت

*- اخیرا مزدوران رژیم اهالی زحمتکش روستاهای شارکه و بصره در منطقه ربط را بدلیل مقاومت در مقابل سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی مورد ضرب و شتم قرار داده و تعدادی از روستائیان را دستگیر و زندانی نموده اند .

*- مزدوران و جاشهای خودفروخته در منطقه آلان سردشت در جهت تمکین جوانان به سیاستهای سربازگیری رژیم به ترفند جدیدی متوسل شدند. آنها اسامی مشمولین روستاهای بیتوش ، سنجوه و دولکان را به اهالی روستاها اعلام نموده و تاکید کرده اند که در صورتیکه مشمولین خود را معرفی نمایند پس از پایان دوره آموزشی برای ادامه خدمت سربازی به روستاهایشان باز خواهند گشت .

*- اخیرا صدوهفتاد کارگر شرکت ساختمانی بهشاست سردشت درجریان بازدیداستاندارآذربایجان از این کارگاه ضمن اعتراض به عقب افتادن حقوقشان خواهان دریافت دستمزدهای خود شدند .

*- چندی پیش نیروهای سرکوبگر شهربانی سردشت با حمله به بساط دستفروشان کلیه چرخهای دستی این زحمتکشان را بازور و اجبار جمع آوری نموده و به منطقه غیر مسکونی ای واقع در خارج از شهر که هیچگونه ترددی در آنجا صورت نمی‌گیرد منتقل نمودند . این اقدام وحشیانه به دنبال ابلاغیه فرماندار مزدور این شهر صورت گرفت .

صفحه: ۳۵

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره: ۲۱ـ مهر ۶۷

"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده‌اند، بگذار در فش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!"

(مائوتسه دون)

شهدای مهر ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا:

مهرنوش ابرهیمی	۵۰/۲/۹
منوچهر بهائی پور	۵۰/۷/۹
چنگیز قبادی	۵۰/۷/۱۰
محمد علی سالمی	۵۰/۷/۱۰
سیدنوزادی	۵۰/۷/۱۰
محمدرضا همتی	۵۲/۷/۲
پروین فاطمی	۵۴/۷/۸
فرشید فرجاد	۵۴/۷/۲۴
پری	۵۴/۷/۲۴
علی دبیری فرد	۵۴/۷/۲۰
رحیم خدادادی	۵۵/۷/۶
غلامرضا سالاری	۶۰/۷/۵
مهناز نجاری	۶۰/۷/۱۹
مریم دانش ایران مبارکه	۶۰/۷/۱۹
فرشید راجی	۶۰/۷/۱۹
مهوش جوکار	۶۰/۷/۲۱
کرامت قبادی	۶۰/۷/۹
محمدسعید خراسی	۶۰/۷/۱۴
عارف بلوکی	۶۰/۷/۱۴

احمد اسلامی	۶۰/۷/۲۰
طاهره قاسمی	۶۰/۷/۲۰
محمد امین ترابی	۶۰/۷/۲۰
محمود خدادادزاده	۶۰/۷/۲۰
فاطمه رخ بین	۶۰/۷/۲۰
فتح اله فرید	۶۰/۷/۲۰
ناصر مرادی	۶۰/۷/۲۰
حسن بشیری	۶۰/۷/۲۰
عباس مکاری	۶۰/۷/۲۰
غلامحسین زینی وند	۶۰/۷/۲۲
اسماعیل باقری	۶۰/۷/۲۹
حمید باقری	۶۰/۷/۲۹
خسرودانش ایران مبارکه	۶۰/۷/۱۲
سروش نیکخواه	۶۰/۷/۱۲
سید علی اصغر کاسبانه	۶۱/۷/۲۷
اکبر ناصری	۶۱/۷/۲۲
حسین احمدی	۶۱/۷/۲۷
محسن میرفصیحی	۶۱/۷/۲۷
زاهد سجادی کیلانه ای (کاك جلال)	۷/۱۲

روز شمار:

-۷/۶ / تشکیل اولین کنگره انترناسیونال اول (۱۸۶۴)

-۷/۹ / پیروزی انقلاب چین (۱۹۴۹)

-۱۲۰۰/۷/۱۱ شهادت کلنل محمدتقی خان پسیان

-۶۰/۷/۱۲ شهادت رفیق سیامك اسدیان (اسکندر) از رهبران سچفخا

-۷/۱۴ / شهادت انقلابی کبیر ارنستو چه گوارا ۱۹۶۷

-۵۰/۷/۱۷ شهادت رفقا همایون کتیرائی، بهرام طاهرزاده، هوشنگ تره گل، ناصرمدنی و ناصر کریمی از گروه آرمان خلق

-۱۲۲۸/۷/۲۲ تشکیل جبهه ملی ایران توسط دکترمصدق

-۷/۲۲ آغاز مبارزه مسلحانه در یمن جنوبی

-۵۸/۷/۲۲ کشتار صیادان بندرانزلی

-۱۲۸۷/۷/۲۴ تشکیل نخستین گروه سوسیال دمکرات در تبریز

-۱۲۲۲/۷/۲۹ رسمیت یافتن موافقتنامه (ساعد- دری فوس) و تجدید سازمان ژاندارمری توسط افسران امریکائی

هرچه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

صفحه : ۳۶

پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم

شماره : ۲۱ ـ مهر ۶۷

اپورتونیزم و مسئله تمرکز در نیروهای سرکوب رژیم

در ۱۲ خرداد ماه خمینی مزدور با صدور حکمی رفسنجانی را به جانشینی "فرماندهی کل قوا" منصوب نمود و از او خواست تا در "تمامی زمینه‌ها" بین نیروهای مسلح رژیم "هماهنگی کامل" برقرار نموده و با ایجاد یک "ستاد فرماندهی کل" "زمینه" "وحدت کامل" "سپاه و ارتش و "حذف یا ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیره ضروری" را مهیا نماید.

در کنار این موضوع، قبول مسئولیت شکستهای "فاو" و "شلمچه" توسط سرکرده جنایتکار سپاه پاسداران یعنی محسن رضائی در پشت تلویزیون و در گفتگوهای گاه و بیگاه سپاه و ارتش ضد خلقی که در این اواخر در مواردی حتی به برخوردهای

در صفحه ۱۱

"آرامش و امنیت" برای جمهوری اسلامی "خودمختاری" برای حزب دمکرات

بیش از ۹ سال است که خلق رزمنده کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت خود سلاح بدست گرفته و برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می‌جنگد و تاکنون نیز به قیمت خون هزاران شهید ارزنده توانسته است ضربات بس بزرگی به دشمن جنایتکار خلقهای ما وارد سازد. دشمنی که با سازمان دادن فجایعی همچون نوروز خونین سنندج، کشتار دهقانان روستاهای قارنا و ایندرقاش و با به آتش کشیدن روستاها، کوچاندن اجباری روستائیان از خانه و کاشانه خویش و ترور و شکنجه و اعدام مبارزین و همچنین با توسل به شیوه‌های ارتجاعی و ضدخلقی دیگر همواره کوشیده است تا جنبش عادلانه خلق کرد و نبرد مسلحانه پیشمرگان قهرمانش را نابود سازد ولی علیرغم تمامی این تلاشهای مذبوحانه و علیرغم ضرباتی که به این طریق به جنبش قهرمانانه خلق کرد وارد شده، این جنبش همچنان تداوم یافته و اقدامات ضدخلقی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی نتوانسته است در اراده خلق رزمنده کردستان خللی وارد سازد بلکه عزم آنها برای مبارزه تا پیروزی هر روز راسختر می‌گردد. بر این اساس "مسئله کردستان" کماکان یکی از معضلات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد، هرچندکه در سالهای اخیر به تدریج تمام مناطق آزاد شده کردستان از دست پیشمرگان خلق کرد خارج شده و رژیم نیز به همین امر

در صفحه ۱۸

خاطره رفیق چه گوارا

را در بیست و یکمین سالگرد شهادتش گرامی داشته و ایمان داریم که مشعل سرخ مبارزه مسلحانه بعنوان تنها راه رهائی از قید سلطه امپریالیزم که او یکی از برافروزندگان آن بود تا پیروزی قطعی بر امپریالیسم و سرمایه‌داری همچنان فروزان و سرکش خواهد ماند.

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید

با کمکهای مالی خود چریکهای فدایی خلق ایران را یاری رسانید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران با نشانی‌های زیر مکاتبه کنید:

انگلستان	فرانسه
BM BOX 5051	F . S
LONDON	B . P _ 181
WCIN 3XX	75623 PARIS
ENGLAND	CEDEX 13
	FRANCE

ساعات پخش :

۹ شب و

۶،۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

ردیف ۷۵ متر

صدای چریکهای فدایی خلق ایران

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!